

کتاب

برکات الانس لزائر القدس

تصنیف

حاجی الحرمین زائر القبلتین صاحب العزو والکرامات

مولوی ابوالبرکات

المہاری لازال رشحات برکاتہ فایضہ *

باعتیام

اضعف بنی ان ایزد قوی واحقر امتان حضرت مصطفوی

محمد رشید الزمان صفوی

درمطبع مظہر العجایب جناب فضیلت ماب مولوی

کبیر الدین احمد

صاحب امین مدرجہ عالیہ کلکتہ حامیہ طبع پوشید

کلکتہ



۶ شہر ربیع الاول ۱۲۸۲ ہجری مطابق ۳۰ جولائی ۱۸۶۵ ع

فهرست کتاب بركات الانس

- فصل اول — در ذکر کرایه مرکب دخانی از جدۀ تاویس و غیره ۱
- فصل دوم — در همراه گرفتن کیمیا و ریال و غیره ... ۱۲
- فصل سوم — در احوال سویس و کرایه گردون دخانی تا مصر ۱۴
- فصل چهارم — در احوال مصر و زیارت مدفن هر مبارک سینا
امام حسین رض و قبر سیدتنا زینب و سکینه و دیگر اهل بیت نبوی
صلعم و قبور بعضی صحابه و امام شافعی و امام ابو اللیث و امام جلال
الدین سیوطی و غیره رض - و حقایق جامع از هر و مسجد محمد طی
- پاشا و باغ شبره و غیره ... ۱۶
- فصل پنجم — در زیارت سینا اهل بدری قدس سره به مقام طاعتنا
- و سرمبزی و شادابی زمین مصر ... ۳۰
- فصل ششم — در رسیدن اسکندریه و زیارت سینا دانیاال عم
- و حضرت بوصری و اسکندر ذو القرنین و غیره ... ۳۴
- فصل هفتم — در روانگی از اسکندریه بطرف یافا و اقامت به کان
- سید عبد الغنی ونا ... ۳۸
- فصل هشتم — در روانگی از یافا بطرف رمله و زیارت سینا
صالح و ایوب علیهما السلام و سینا فضل بن عباس و أم الفضل و

- دیگر صحابه کرام و سیدنا عبد الرحمن بن ابی بکر بن مسعود و سیدنا
 صالح بن محبوب سجانی و امام نسائی و دیگر بزرگواران رض ... ۴۰
- فصل نهم — در رسیدن یوسف المقدس و فضایل آن مستنبط از
 حدیث و قرآن ۴۴
- فصل دهم — در وجه تسمیه و تعداد اسماء مسجد اقصی ... ۵۳
- فصل یازدهم — در احوال عمارت بیت المقدس و طول و عرض آن ۵۴
- فصل دوازدهم — در حقیقت صخره شریف و فضایل آن ... ۵۸
- فصل سیزدهم — در بناء قبه بر صخره شریف و بناء مسجد فوقانی ۶۲
- فصل چهاردهم — در تفصیل مقامات متبرکه داخل مسجد اقصی و
 صخره شریف مع وجه تسمیه هر یکی ۶۵
- فصل پانزدهم — در بیان مقامات متبرکه بیرون مسجد اقصی -
 و زیارت سیدنا داؤد و سلیمان و عزیر و سیدتنا مریم علیهم السلام -
 در بعضی صحابه کرام و ازلیای عظام و غیره ۷۸
- فصل شانزدهم — در آداب زیارت و اقامت بیت المقدس ... ۸۴
- فصل هفدهم — در بعضی اعجوبه بیت المقدس ... ۸۴
- فصل هجدهم — در زیارت بیت المحم مولد عیسی عم ... ۸۶
- فصل نوزدهم — در زیارت یونس عم بمقام حلحول ... ۸۹
- فصل بیستم — در زیارت سیدنا ابراهیم خلیل الله و اسحاق و یعقوب
 مع ازواج و ربکان و یوسف عم و بعض اولیاء الله مثل حضرت ابوبکر
 شیبلی و غیره رض بمقام حجرین ۹۰

فصل بیست و یکم — در زیارت سیدنا نوح و لوط علیهما السلام ۱۰۰

فصل بیست دوم — در زیارت سیدنا زکریا علیه السلام ... ۱۰۲

فصل بیست سوم — در زیارت سیدنا شمعون - و حکیم لقمان -

و بعضی صحابه کبار علیهم الرضوان و اکثر اولیاء الله مثل ذر النون

مصری و غیره رض ۱۰۳



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب المشرقین والمغربین والصلوة علی رسوله صاحب الحرمین

والقبلة من صلی الله علیه وعلی آله واصحابه خیر الکوین *

اما بعد اضعف بندگان ایزد قوی محمد رشید الزمان صفوی معروض
خدمت مشفقان مزارات حضرات نبوی میزدارد که از مدتی مدید
شوق شدید باسماع احوال بیت الله السحرام و بیت المقدس
شام در سناحت دل این ناکام اساس استحکام نهاده است
اما از شکسته بائی و عوایق نامرتبای دست یان نمیرسد که از موی
مرثگان جارب و کشان و از اشک چشمان آب افشان بزیارت این عزمین
شریفین و دیگر بلاد مظهره و بقاع منزه که روان شوم ازین سمر اکثر در
تلاش کتابهاییکه در آن ذکر این ابنیه شریفه و اکنه منیفه
بوده باشد میبوم تا بسطالعه ان نوعی تسکین بدل حزین دهم و عرصه
دراز درین خوانش و آرز بودم تا آنکه در کتب خانه افتخر علمای
امجد فخر دمی مولوی کبیر الدین احمد حماد الله الصدامین مدرسه عالیه
کائیکه کتاب الاعلام باعلام بیت الله السحرام و کتاب اخبار که و کتاب
المنتقى فی اخبار ام القری و کتاب الجامع اللطیف فی بناء
بیت الشریف و غیره کتب چند مطول و مختصر اصح و معتبر

دیدم و حظی و افریزاشتم مگر چون بیست و نهمی از انعام ربی و بلاذیث
 حضرت رسالت بنمای منطوی اند تئواستم که دیگران را نیز
 فایده از آن رسانم تا آنکه دین اوان بهجت اقتران از عنایت
 بی نهایت جناب معظمی و شفق مولوی سید فضل حسین
 صاحب این کتاب برکت اتساب المسمی به برکات الانس
 لزایر القدس تصنیف قدوة العیال زبدة الفضلاء مقتدای بزرگان
 پیشتوای کامران عالم باعمل زاهد بی بدل حاجی السحر مین الشیردین
 مبارک روضه منوره رسول الثقلین حضرت مولانا مقتدای مولوی
 ابوالبرکات دست یاب شد و از دیدن آن شادان و فرحان شرم *
 از اینجا که مصنف این کتاب طالب بقاوه از سالی چند ازین
 ملک هند بهحرت نموده در جوار خیر الامصار مدینه الرسول
 شرف قفول در یافتن و اراده عدم مراجعت هند مصمم ساخته فقط
 یک نسخه این کتاب بطریق تحفه بخدمت سید صاحب موصوف
 بدستخط خاص خود هدیه فرستاد و بجهانی که نسخه مذکور از حوادث زمان
 ردی زبان باند و بر رتل فقدها نشیند رومی جناب سید صاحب
 ممدوح بران قرار یافته که بذریعه چاپ کردن بجان تکثیر بی در تعداد
 این نسخه نموده آید که غالبا جلد مفقود شدن آن عاده مستحیل
 نماید لاجرم حقیر کمر همت بمعاذت سید صاحب مکرّم بر چاپ
 کردن این کتاب منظم چست نمودم و بعون الله تعالی بحسن اتمام
 رسانیدم * و بعضی از احباب که ایشان نیز محرک این

اگر برصواب بودند آنچه تفاریظ ابدار بران نوشته اند حقیر بامنت
 گذارنی نمی فرادان در طبع آن شرف افتخار اند و ختم * طایبانه
 این خدمت معمول از اجاب شرف قبول مسئلت دارم *
 والحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید المرسلین و
 آله و صحبه و سائر ذریاته اجمعین *

بسم الله الرحمن الرحيم

تحریر فاضل تحریر سخن آفرین خوش تقریر منشی لا ثانی مولوی
 ذوالفقار علی معنی مدرّس مدرّسه علیه کلکته ادام الله تعالی افضاله و اجلاله *
 مکامد زاکلی تشریه و یاکی خدای راست که مسند عالم اراست
 بشرف ظهور سید درمی خوابه دوسرا حبیب پاک شهنشاه
 لولا که منوف برایا صفوف موبک اویند و امر خلاایق حشم
 مرکب دمی شان غبور باستقبال پیش خرامیده بیادش
 در مقامات خود آرمیده اند و سران سراسر نور از پس شتافته
 به پسر دیش در منازل خویش بر تافته قبه بارگاه هر یکی قبله زائرین
 است و طاق ایوان هر احد محراب سائرین علیه و علیهم من الصلوات
 زاکبات و من التسلیمات زاهیبات *

اما بعد این فتره چند است فکریه بادامی شکریه آولایان صائب
 کهای - در علم و هنر - بی‌سالی - سرزمین اخادت را آسمانی - آسمان
 براعت را مهر نور انشائی - مرکز دایره شرف و سعادت -
 دایره مرکز شریعت و زبانت - مرجع انوار ربانی - محیط اسرار سبحانی
 سالک سالک انبیه - شاهد مشاهد قدسیه کاسمه ابوبرکات الکوین
 الحاج المحرمین المحترمین المولوی ابوالبرکات البهاری سلمه
 القدوس الباری که بر فضایل و بزرگواریش ازین روشنیتر
 به دلایل تواند بود که ازان دولت و نعمت که بسفر مبارک
 اندوخته نخواست که دیگران محروم باشند و باران بی بهره * مصرع *
 که طوا نهایت تنها بخورد - زحمت کتبه که رحمت بران یار مشاهد
 خو را بصورتی نقش بست که نیاوتر ازان بعالم خوابست و خیال
 و عیان خویش بیداری در آورده که خوشتر ازان بدار وهم است
 و اتمال - گویند مرفوع تصویر است که پیش نظر نهاده - یا در بین
 که بدست نزدیک بنیان داده - کتابی است مبارک که سوادش
 بدیده روشنائی افزاید - و بیاضش خانه دلها را نورانی نماید - مجموعه
 جامع برکات نمایان که بهر لفظ ثوابی است چو معنی بنهان هرگاه
 بنام ناظرین نویسد آغاز از اسم مولف کنند *

لرافعه عفا الله عنه

تعالی الله کتابی بیدمانی * چندتار تجلی را نهالی

ز شاخ سطور اوراق است روشن * که نخل طور از دست گلشن

نهانی روضه رضوانی است که هر بابش از مزار انوار رسال
 و انبیاء کرام و انوار مزار شهداء علمای اعلام نشان میدهد
 بیت المقدسی است که هر محرابش بمراقده سلیمان و شان
 انس و متابر مقربان قدس بسر ادب خمیده اشاره
 میکند * طلی نعیما و علیهم الصلوة و السلام من الله الملك العلام *
 و ثانیاً باین عالی وقاری - باند مقداری - صدف صداقت را در بیها -
 فلک فتوت را در می بر ضیا - کولوا لای مجر نکته دانی - مرو جهان
 چمن جاد و بیانی - شهسوار شهباز لایکه نباهت - سیف المسلمون
 مکرر کفایت - مرد میدان رشد دینی و دینومی - محمد من المولوی
 رشید الزمان الحقوی - ادامه الله بما یحب و یرضاه که باز شد تو فیتق
 بغرض سماعی مولف دار سیده شهرت افزائی این شکرگف
 نامد برکت خاتم پرداخت و با تمام هست خاص با کمال حسن اخلاص
 بطبع در آورده مطبوع طبائع ساخت قله الجزاء الجزیل من
 دف الجلال الجلیل *

تاریخ تالیف و طبع معا

چو دریا بده مردم دیده ام * زیارات ابن بركات الله
 بی حال تالیف و طبع کتاب * ربهوده ز خود فخر معنی مرا
 که مدسی سروشی زباب جهان * بگفتا - در روضه انبیا

تاریخ طبع خصوصاً

زندی نسیم زلفش که هم * بدوی زلفش از دست جفت

دمنغ همه عطر پورده شد * چون غنچه ای دل ماندگشت
به معنی خرد سال طبع نکوش * گل تریخت و سست نه دگشت

وله ایضا مصرع نادرین

ار مزار قدسیان کله بیاورد دست بین *



تحریر فصاحت بخدمت حکمه فلم یافت رقم مشب به بدل
فاطم علیهم المثل حذب سببنا سعد بنده طی صاحب دیوان مهارانی
ریاست نکاری دام فی حفظ الله العزیز الجاری *

هر اوان شکر و منت رخسارا *	* که پیدا ساخته ارض و سهارا
برافرا زنده سیمه سموات *	* برا فرو زنده نور فیوضات
فرستاده محمد مصطفی را *	* شاهنشاه گروه انبیا را
که از نور نبوت عالم افروخت *	* لباس کفر و نادانی همه سوخت
کناب حق عطا فرمود ما را *	* ره ایمان و دین بر نمود ما را
شفیع الهی نبین آمد خطابش *	* ملوایش باد و بال و صاحبش
ملوایش میقتل رنگ معاصی *	* بتدبیر هرا دانی و اقامی
بیانده عالی هر مقصد خویش *	* کتاب محترم را طبع در پیش
زهی فرخ رساله رهنمائی *	* گروه زایران را پیشوائی
هدایت نامه اعلی و اقدس *	* باحوال ره بیت المقدس
حروفش را سواد طور سیدنا *	* بیاض صفحه اش نور تجلی
پای در ماندگان مشکلی کشائی *	* براه راستی قبله نما

فروزان شمع بزم ایران است * غیا بنخشنده پاییز و جوان است
 مهی در شام غربت نور نبوی * به صحرای بهر می یوسف عزیز می
 باقصی مرتبه قدش ازین است * که ذکر تخت رب العالمین است
 مصنف را ثنا از حد فزون است * که بر طرز رسالت را نمونه است
 ازل در قرعه اش حسنات کردند * مسمی بر ابو البرکات کردند
 مرآمد حاجیان پاک طینت * بحیال ز ایران والای نعمت
 حواین نامه لباس طبع پوشید * بجهان از فرط شاد بها فروشید



اشعار جوهر شمار فردوسی بهار واقف اسرار خفای
 و جلی مخدومی شاه الطاف حسین فردوسی بن شاه فرزند علی
 المنخلص به نازش حفظه الله من مفضلین و مشادش *
 لاقعدت لکرم و حمه لا تحصی * شه مسلم خدای یکتا را
 آفریننده کاکان و مکین * زینت آرامی آسمان و زمین
 داد ما را کتاب رحمانی * قاطع جهل و کفر و نادانی
 آن کتاب بری زهر آفات * محزون خبر و صمد برکات
 بعد از ان نعت احمد عربی * افسر جمه مرسلان و نبی
 چون به ظلمات نور ابرسید * صبح ایمان ز شام کفر دید
 صاواة خدا بر احبابش * باد و بر جمه آل و اصحابش
 بالغ الله یا فواد لدیک * بختنا منی السلام علیک
 منبع جو د جمع حسنات * حاجی و مولوی ابو البرکات

ذات اوصف، زیارات است * * همه عمرش خیر و برکات است
 سالک محرم دیار عرب * * مر مره دیده اش غبار عرب
 جامی خود کرد در دیار نبی * * با حد عاشق مزار نبی
 تحفه نغمه این سالک اوست * * که بیانش براه راست نیکو است
 زاد راه نصیب هرجاباب * * بهر گمگشته گان راه صواب
 مولوی کبیر دین صاحب * * لطف فرمانی حاضر و غایب
 ما همه مهر بانی بیحد * * طبع کمردهش از نهایت جد
 باعث منشی رشید زمان * * کرد تقوی را بنظم بیان
 بزمان قیام کاکته * * گفتارش در مقام کاکته
 هر دو تاریخ طبع شد منظوم * * ذیل تقوی را یافتم مرقوم
 نازش فکر تو بلند آمد * * همه را این سخن پسند آمد

قطع تاریخ طبع

شد طبع بظهر العجایب * * محفوظ رساله ز آفات
 سال طبعش ز فکرنازش * * گردید نرانه زیارات

ایضا صند

زهی سعادت طبع که طبع شد لیل عجیب محفه خوش حاجی ابوالبرکات
 جو بای جهمد راه تجسس تاریخ شکست و کشت زبانش خواند برکات



بسم الله الرحمن الرحيم

میجان الذي اسرى بعمدة ليلاً من المسجد الحرام الى
المسجد الاقصي * والصلوة والسلام على حبيبة الذي مرج
الى السموات العلوي - الى سدرۃ المنتهى - الى قاب قوسين
او ادنى * وعلى اله سفين نجاه الوري * واصحابه نجوم الهدى *
اما بعد هذه سر امر تقصيرات عاجز ابو البركات ابن موكي فضل امام
مرحوم هندي بهارمي مؤلفا و الخلفي نذيرها و القا درمي المجددي طريقت
يشتر در سال ۱۲۷۲ هجری بزبان افامت حرمين شريفين
زادهما الله شرفا وتعظيما قصد زیارت بیت المقدس مبادشت
ليكن دران آدان . بسبب موانع چنه فرصت و فراغ این سفر برکت
اثر نیافت - اکنون که بار ثانی آستانه بوسی مکة معظمه نصیب شد
الحمد لله که بعد از حج در سال ۱۲۷۹ دوازده صد و هفتاد و نه هجری
اتفاق حاضری آن بقعه منیفة افناد و از زیارت مسجد اقصی
و دیگر زیارات مشرف گشته *

شکر خدا که آنچه طلب کردم از خدا * بر منتهای مطلب خود کامران شدم
چون اکثر اهل هند که بمکه معظمه تشریف می آرند با وصف اشتیاق
و تمنای معرفت بمحضر کالیعت راه و بعد منازل و بعضی باعث لاعلمی
از برکات و فضایل قصد و همت آن مقامات عالیه نمی فرمایند - لهذا
هنده ای بحمدان معظمه چند بانه کشف حقایق طریق بیت المقدس
و دیگر اماکن متبرکه و بعضی از فضایل و ثمرات آن مستدل بآیات
و احادیث منقوله درین رساله مختصرانه مینویسد و التزام تحریر می به
ترتیب مسفر مینماید - تا زائران را بیانش در محمل خود بکار آید * هر
کسیکه این رساله تمام و کمال ملاحظه نماید انشاء الله المستعان شوق
درک این سعادت در دلش استیلا کند و اخبار غیر صحیحیه که
سنگ راه می افتد از خاطرش بر خیزد - و اگر چه عاقر را قریب سه
ماه درین سفر گذشت لیکن آن بسبب بعد مسافت نبود
بلکه بجای اطراف شام و مصر و غیره هنگام مراجعت در انتظار
مرکب دخانی و غیره توقف و تاخیر بسیار رو نمود ورنه حقیقه از جمله
تابیت المقدس در هشت روز میرسد - و در دریا مرکب دخانی و بر
خشکی اکثر ریل گاازی در می یابند - راه خشکی بقافله البته چهل روزه
بوده است لیکن درین زمان حق تعالی ادرای آسان تر فرموده است *
درین سفر عجایب و غرایب روزگار از نظر میگردد و گنایان تمام عمر
بمنظوق اکثر احادیث نبوی صلی الله علیه و آله وسلم بخشیده میشود و
سببای بیت المقدس زیارات اکثر انبیاء علی نبینا و علیهم الصاوة و السلام

و بسیاری اهل بیت نبوی صلی الله علیه و سلم اجمعین و صحابه کبار
 رضوان الله علیهم ضمنا در اثناء طریق و غیره میسر می آید *
 مخفی مباد که بزمان تحریر این رساله که بحالته در سفر اتفالیق
 افتاد و کدام کتب از تواریخ و غیره در دست نداشتم صرف در بیت
 المقدس کتابی مسمی به انس الجلیل فی تاریخ القدس و الخلیل للعلامة
 المحقق الحنبلی که مشهور ترین تاریخهای شام است - و در مصر
 کتابی مسمی به خطط در تاریخ مصر ساعتی چند یادشتم و در ضیق
 وقت هر قدر توانستم از آن تمتع برداشتم *

تمتع زهر گوشه یافتم * زهر خرسندی خوشه یافتم

نام این رساله بركات الانس لزاو القلاس کردم و بیش بزرگان و اجاب
 ارمنانی میکشتم - الر خطائے رفته باشد اصلاح عیب ناگوار نیست -
 و معذرم باید داشت که سفر جامی تسکین و قرار نه *

طمع دارم که گر ناگه شگرفی * بخواند زین صحیفه نامه حرفی

از روی مکر گردید خطائے * نیاز دارد بر سر من ماجرائی

بقدر وضع در اصلاح کوشد * وگر اصلاح نتواند خموشد

۱ فصل اول - در ذکر مرکب دخانی و مقدار کرایه آن از جلد تا هویس

و شرایط متعلقه آن و حصول تذکره یعمی احکام رانداری و غیره از مکه معظمه *

۲ فصل دوم - در طریق همواره گرفتن گنجینه و ریال و غیره مع نرخ

مروجه مصر و بلاد شام *

۳ فصل سوم - در احوال مقام هویس و تعداد کرایه و غیره نسبت

کردن دخانی تا مقام مصر *

۴ فصل چهارم — در احوال رسیدن مصر و زیارت روضه اقدس یعنی مدفن سر مبارک سیدنا امام حسین رض و قبر سیدتنا زینب و سکینه و دیگر اهل بیت نبوی صلی الله علیه و علیهم اجمعین - و قبور بعضی صحابه و امام شافعی و امام ابواللیث و امام جلال الدین سیوطی و غیره علیهم الرحمة - و حقایق جامع از هر و مسجد محمدی پاشا و باغ شیره و غیره *

۵ فصل پنجم — در احوال زیارت سیدنا احمد بدوی قدس سره بمقام طندنا و سرمیزی و شادابی زمین مصر *

۶ فصل ششم — در رسیدن شهر اسکندریه و زیارت سیدنا دانیال علیه السلام و حضرت بوصوی صاحب قصیده برده و اسکندر ذوالقرنین و دیگر بزرگوار مقام مذکور - و تصحیح و ملاحظه و تجدید تذکره درین مقام *

۷ فصل هفتم — در روانگی از اسکندریه بطرف یافا بر مرکب دخانی و اقامت بمکان سید عبد الغنی رفا *

۸ فصل هشتم — در روانگی از یافا بطرف رمله و زیارت سیدنا صالح و سیدنا ایوب علیهما السلام و سیدنا فضل بن عباس و أم الفضل و دیگر بعضی صحابه علیهم الرضوان و سیدنا عبد الرحمن ابن ابی یزید بسطامی و سیدنا صالح ابن محبوب سبکی و امام نسائی و دیگر بسیاری بزرگواران قدس الله تعالی اسرارهم *

۹ فصل نهم — در رسیدن بیت المقدس و بعضی فضایل آن مستنبط از قرآن مجید و احادیث شریف *

- ۱۰ فصل دهم — در وجه تسمیه و تعداد اسماء مسجد اقصی *
- ۱۱ فصل یازدهم — در احوال عمارت بیت المقدس و طول و عرض آن *
- ۱۲ فصل دوازدهم — در حقیقت صخره شریف معروف به تخت رب العالمین و فضایل آن با احادیث و غیره *
- ۱۳ فصل سیزدهم — در بناء قبه بر صخره شریف و بناء مسجد فوآنی *
- ۱۴ فصل چهاردهم — در تفضیل مقامات متبرکه داخل مسجد اقصی و صخره شریف مع وجه تسمیه هر یکی *
- ۱۵ فصل پانزدهم — در بیان مقامات متبرکه بیرون مسجد اقصی - و زیارت هیدنا داؤد و هیدنا سلیمان و هیدنا عزیز و هیدنا مریم علیهم السلام - و بعضی صحابه رضوان الله علیهم و اکثر اولیاء الله علیهم الرحمة - و سبب نرفتن بر مزار هیدنا موحی علیه السلام با وصف قرب از بیت المقدس *
- ۱۶ فصل شانزدهم — در آداب زیارت و اقامت بیت المقدس *
- ۱۷ فصل هفدهم — در بعضی اعجوبه بیت المقدس *
- ۱۸ فصل هجدهم — در زیارت بیت اللحم که مولد هیدنا عیسی ملی نبینا و علیه السلام است *
- ۱۹ فصل نوزدهم — در زیارت هیدنا یونس علیه السلام بمقام حلحول *
- ۲۰ فصل بیستم — در زیارت هیدنا ابراهیم خلیل الله و هیدنا اسحاق و هیدنا یعقوب مع ازواج هر یک و هیدنا یوسف علیهم الصلوة والسلام و بعضی اولیاء الله مثل حضرت ابوبکر شبلی و غیره علیهم الرحمة بمقام بیرون معروف به بلد خلیل الرحمن *

۲۱ فصل بست و یکم — در زیارت سیدنا نوح و سیدنا لوط علیهما

السلام قریب بلد خلیل الرحمن *

۲۲ فصل بست دوم — در زیارت سیدنا زکریا علیه السلام *

۲۳ فصل بست و سوم — در زیارت مقام لد [بروزن ضد] وقت

مراجعت یعنی سیدنا شمعون علیه السلام - و حکیم لقمان - و بعضی محدثه کبار
علیهم الرضوان و اکثر اولیاء الله مثل ذوالنون مصری و غیره قل من الله اسرارهم *

مد شکر که این نگار خانه * * بگسرت نگار جاسودانه

هر معنی از و چو آب در حقو * * هر نکته از و چو تاب در مو

هر نقش ازو گلی است هر یار * * هر برگ ازو ابی بگفتار

این گل که در و هزار باغ است * * آتش ز رطوبت دماغ است

آنرا که سری به نکته دانست * * دانه که چه ریش معابد است

این گل که بهبوستان بهار است * * از من به بهار یادگار است

زین دزم که روزگار سافیدست * * گر من برزم ترا نه باقیست

فصل اول

در ذکر مرکب دخانی و مقدار کرباب آن از جمله تا سویس و شرایط متعلقه

آن - و حصول تذکره یعنی احکام راهلاری و غیره از مکّه معظمه *

باید دانست که چند مرکب دخانی که آنرا و ابوالبحر می هم گویند

از طرف سعید پاشا از توابع سلطان روم خل الله ملکه دایما از

مقام سویس آمد و رفت بنزد بده و دیگر بنادر مختلفه می نماید

و احکام و قوانین دارالسلطنت استنبول بنام پاشا و شریف مکّه معظمه
و غیره میرساند و در ضمن آن مسافریں و حجاج را نیز می آرد
و می برد اہتمام آن در جدہ مفوض بشخصی عرب مسمی باحمد
بشا و مراکب ہرگونہ معمور از سامان راحت و نشاط زایرین
بیت المقدس و دیگر اماکن متبرکہ دیار شام اکثری بران روند و قوافل
مصری و منار بہ بعد فراغ حج بیشتتر بران مراجعت کنند - چنانچہ
راقم بر مرکب مسمی بہ حجار کہ اکبر الہراکب است در جدہ بتاریخ
دوازہم محرم سنہ ۱۲۷۹ یک ہزار و دویست و ہشتاد و نہ ہجریہ
بانہہ کان بقصد زیارت بیت المقدس سوار شدم و کرایہ
مرکب حسب تفصیل ادا کردم *

حضرت مولانا شاہ محمد عمر و مولوی حکیم محمد اسمعیل صاحب
و راقم السطور در درجہ دوم یعنی سطح فوقانی سی و پنجریال
فرانسہ فی کس *

سواری زمانہ یککس در کوثری درجہ اول ہشتاد و پنجریال فرانسہ *
مولوی ابو الحسن صاحب و خدام و تاریہ چارکس درجہ ثالث یعنی
صحن جہاز ہشتاد و پنجریال فرانسہ فی کس *

خدام را اگر بہ تخت منزل و ماوا لیکن مجاز بتاد و رفت زیر و
بالا - جاریہ ہر چند نامزد بدرجہ زیرین لیکن در کوثری باجریم شب
و روز جاگرمین ع بدافرا بہ نیکان بخشد کریم * برای دغل ہوا در کوثری
از روزنی پیش نیست و چیزی شباک و غیرہ کس و پیش

نه - طهارت یعنی باخانه مستودات متفرق و یکسو ، و رجال را در آن نیست هرگز دغل و قابو ، کبتان و کارکنان مرکب همه معلوم اند مصری نژاد ، و قایل ازان نصارا زاد - سطح فوقانی مرکب نهایت هوادار ، و صحن مرکب که محل اهل خن است قابل گذار ، راکبان درجه اولی و نایب را با باخانه بهتر مبسر ، و کرایه داران خن را بجای طهارت با خلامیان مقرر ، برای غسل و غیره حمامی علیحده معین و جوی دران حمام برای آب شور مخمرن ، شربت و بیاض مرغ و بنای قهوه بر مرکب آماده ، لیکن نصارا آنرا در معرض بیع نهاده ، آب شیرین حسب قواعد دیگر مراکب ذمه اهل مرکب ، یادرجی اگر همراه باشد حسب قاعده مرکب چیزی طعام مختصر می توان پخت ، و هم با نعم و مدارا از طباخ مرکب کار می توان گرفت ، الیام بعضی کارکنان مرکب هرگونه موجب راحت ، عابر را بر دزدل در مطهره درجه اولی ساعی بار ندادند چون بمقتضای [دهن سگ بلقمه دخته بر] ندبیرش کرده شد در هر کمره را بکشادند * مقتضای عزم و احتیاط آنست که از جبهه نان و پنیر و سموسه و کبچور شیرینی و لیمون و آچار و غیره همراه گیرند و اکثر اکتفا بران کنند که مسیرت این سفر از جبهه تاسویس زاید از پنج چهار روز نیست - راقم بانود برنج و دال و غیره مصالحه سبز و گرم اکثر می کوفته بیخته اگرچه همراه داشت و در حالت اقامت ازان آسایش یافت لیکن آینه در و ابور برمی که مراد از ریل گاویست نهایت تکلیف برداشت

تا آنکه اکثر خواجه در سوس و بعضی در مصر و اسکندریه گذاشت ،
 صرف دو یک جفت باره و یک لباده و دولائی . بناظر آنکه در اطراف
 شام ایام حرشید حکم برد متوسط دارد و بموسم سرما برف
 می بارد همراه گرفت - دال عدس و برنج سرخ یا سفید هر چه بجا
 از بازار میسر آمد بران اکتفا ورزید - مشکبیر ، صغیر و اباریق
 و سوبه ، مسی برای گرفتن آب بر چهار اگر چه بکار آمدنی لیکن آینه
 در سفر خشکی گذاشتنی * باید دانست که قبل از آنکه از جده
 رخت سفر بندند تذکره که مراد از احکام راهداری است از مکه
 معظمه بگیرند که بدون آن در بعضی بلاد و امصار راندند - و آن از دربار
 پاشای مکه مرحمت شود و بذریعه مطدق و غیره سریعاً بدست آید
 تکلیفی و دقتی دران نیست بجز آنکه چند قروش بدست منشیان
 سرشته رسانند - دران جز دسه سطر مشتمل بر نام و
 نشان مسافر و نام پدرش و نام منزل مقصود و حکم عدم ممانعت
 و تعرض در اثناء راه و عمر و حایه مسافر و مهر و دستخط اهل
 سر رشته دیگر مضمون و عبارتی نیست * پس ارجحاً وصول تذکره مذکره
 بالا و تذکره در حله آید و نول چهار ادا نمایند تذکره ثانی از کارخانه مرکب
 و خانی با جازت رکوب بر مرکب برای هر راکب جداگانه دهند - هر دو تذکره
 را با احتیاط باید داشت که فقده ان یکی از ان موجب فزاد ان نقصان -
 این تذکره مشروط بشرایط کثیره و رو و پشت تذکره مملو از الفاظ
 و عبارت عید و چنانچه ترجمه عربی بحسنه در فارسی نوشته میشود ،

نذکره - یعنی بیان جهاز داخلی مجیدی مصری از جده تسویس ذریعاً
 ادلی و ثمانه و ثمانه - اجرت سفاین سواری تا بحماز و وقت نزول
 از جهاز تا بکناره ذمه راکب است - بموجب این نذکره فلان راکب
 سوار خواهد شد بذاته بر مرکب مسمی به حجاز که نام رئیس
 مرکب ابراهیم است - وصول شد اینقدر کرایه بموجب نذکره هذا *
 البرقوم یازدهم محرم سنه ۱۲۷۹ یک هزار و دوصد و هفتاد و نه بهجمریه
 و برظهر تذکره مضامین مندرجه ذیل مکتوبست -
 و ضرور است ملا حظم و عمل بر شرایط
 و قیود مندرجه برظهر تذکره هذا و آن اینست *

مهر معاون
 وکیل جده

تنبیه ۵ - ۱ - باید که راکب صحیح البدن باشد و استطاعت
 ادای رسوم و عثور معین حسب قانون ملکیکه از انجا سفر
 میکند داشته باشد *

تنبیه ۵ - ۲ - باید که این نذکره قبل نزول از جهاز تقبوض
 بر رئیس مرکب کند *

تنبیه ۵ - ۳ - باید که بر چهار مع سامان خود یکساعه
 قبل از روانگی مرکب سوار شود - و احوالاً اگر کسی غایب شد
 یا تاخیر از وقت معینه نمود و مرکب لنگر برداشت تا بیج زره کرایه
 واپس داده نخواهد شد *

تنبیه ۵ - ۴ - بهتر است راکب جهاز از آنکه مال انهما یا خطوط کسی

باشن آن باخود دارد عام است که اندرون اسبابش باشد یا بر پد نش - و اگر خواهد گرفت و بال آن بدو آید - و نیز بر رکاب لازم که از اشیاء مشتمه و استعمه عرینه مثل جواهر و زیور و غیره باخود نگیرد چرا که رخصت برکاب نیست برای برداشتن چیز می با خودش غیر از آنکه مخصوص بذات شان باشد - و اگر ظاهر شد نزد احدی از آنها تا اجرت آن مضاعف گرفته خواهد شد *

تنبیه ۵ - در مقدار وزن اسباب و حواجج - راکب درجه اولی مجاز و مرخص است تا پنج قنطار - و راکب درجه ثانیه تا سه قنطار و راکب درجه ثالثه دو قنطار - و آنچه برین زیاده شود گرفته خواهد شد کرایه اش بحساب فی قنطار ده قروش صاغ یعنی مرده و محسوبه سرکار *

تنبیه ۶ - هیچ کرایه گرفته نخواهد شد نسبت ولد صغیر که عمرش کم از سه سال باشد - و اطفال کم از دوازده سال را نسبت پدر و مادرش نصف کرایه محسوب خواهد شد و محلی برای او مخصوص نیست *

تنبیه ۷ - خوراک راکب ذمه خودشان خواهد بود از سرکار عاقله ندارد - و اگر کسی از راکب درجه اولی خواهد که بر سفره رئیس مرکب اکل و مشرب دارد باید که قبل بر آهون بر چهار اطلاع این امر کنه و یومیه بحساب بست و سعه قروش صاغ بدهد *

تنبیه ۸ - رئیس چهار در فایع شدن اسباب ضامن کسی نیست - لیکن در انحال که مالک مال اسباب

بوکیلی سبب دارد و کاغذ سند آن از وی بگیرد و در قیمت هر شیء^۹
 در آن مکتوب باشد - و هم صاحب جواز ضامن نیست برای نقد
 و ریور و جواهر که در اسباب کدام راکب باشد و شرط است که
 هر کس از راکب زیاده از هزار ریال با خود نگیرد و اگر خواهد گرفت
 کرایه اش بر نقد بر ظاهر کردن سه صد یک ریال و در صورت
 اخفاء مضاعف گرفته خواهد شد یعنی سر صد دو ریال *

تنبیه ۵ - ۹ - ممنوع کلی است گرفتن اسلحه ناری و جاره
 و بارود و گلولی و غیره - و اگر کسی ازین قبیل با خود داشته باشد
 بحد سوار شدن سپرد رئیس چهار کت وقت نزول از و
 بستاند ورنه مجرم خواهد شد *

تنبیه ۵ - ۱۰ - هر فرد راکب اتباع اصول موضوعه^{۱۰} و ابور
 بر خود لازم گیرد - و اگر مخالفت کرد بنترسد از نتیجه بد آن *

فصل دوم

در طریق همراه گرفتن جنینی [یعنی کفنی] و ریال

و عبده مع نرخ مروجه مصر و بلاد شام

ره نوردان این سفر را لازم است که از مسکوکات همراه خود
 جسی افرنجی و مجیدی اختیار نمایند که قیمتش در مصر و اسکندریه از
 جبهه دکه^{۱۱} معظمه بیشتر آید و وجهه و ریال هم ضرر ندارد - و اگر ضرر
 دارد تا در کارخانه^{۱۲} و ابور سکه^{۱۳} الحالی^{۱۴} یعنی اسفودش و نیز در مقام یاد

فرین و دیگر سکهای خود نقرئی که در مصر و اسکندریه و غیره اکثر الرواج است در یافا تا بیت المقدس و غیره بنقص حصه پنجم میگیرند - غرض عجب پریشان نیست که کدام یک که چنان نیست که هرگاه سادمی الیها دینی خساره مروج باشد - پس بعد تفتیش مدققیق نظر سخن بران فرار گرفت که از سویس تا اسکندریه ریلات و جینی را بکار برند که آنجا نرخش حسب تصریح بالا بهتر و بیش تر است - و برای اخراجات یافا تا بیت المقدس و غیره قروش ضلظ از جره همراه آرند که نقصان ندارد - غرض بدین تدبیر از خساره نجات یابند لیکن در کرایه ریل و جهاز که جینی و ریلال میگیرند و صاغ محسوب میکنند آنرا ناگزیر تصور باید کرد فکرے و حیاة دران بکار نیست * و واضح باد که احتیاج قروش بر جهاز در بعض اوقات و هم هنگام نزول از مرکب باجرت مزدوران و کشتی بانان و غیره می افتد *

فصل سوم

در احوال مقام سویس و تعداد کرایه و عییره

نسبت گردون دحانی تا مقام مصر *

روزیکه از جدّه روانه شدیم در چهار روز بحفظ و عافیت تمام وارد مقام سویس گشتیم - سویس قصبه ایست فزودگاه مسافران و منزل و مادی بعضی ناهران - حاکم آنجا سلطان روم و پاشای مصر

منتظم این مرزبوم - مصر و اسکندریه و استنبول و لندن و کتوریه و اسپینان، بعضی دیگر ساکنات متفرقه را راه از بین طرف است - مردمان اینجا صرف بانظر مرور گرد آید و دو یکشب اقامت کرده راه خویش گیرند - ساکنان این قصبه گرد مکانات خود؛ خانوایمی یعنی کدو تهریها ترتیب داده اند و آنرا وکاله نام نهاده اند از مسافران کرایه یک ماه در یک دو روز میگیرند - ساکنین در قبه‌ها خانها بسر میکنند * عابر را بذریعه خط حاجی فرج یسر صاحب چند خلوة از مکانات خواجه حرحیس که از قوم نصاری است میسر آمد - نام برده در تمثیلات امور ما بدل پرداخت و ملازمان خود را بکار و بار ما گذاشت * مدح این قصبه همین قدر بس است که از ما کولات بقدر گذر مسافران هر چیز میسر خصوصاً نان خمیری از اکثر جا بهتر - مزه ماهی بریان خاطر مشاقان را بشما ب میگیرد و لذت مبهوت جمیز که در حقیقت گوشت گولر است مسافر را در تعجب می آرد * ریل را راه از همین مقام تا مصر و اسکندریه و غیره ساخته اند بدینجهت اهل فرنگ از هند بقصد ولایت خود بر مرکب دغانی تا اینجا آیند - چون آب شیرین در سویس پیدا نیست پس آب نیل هر روز از مصر بر ریل آرند - و برای کشیدن گاریهای آب وقتی خاص معین داشته اند و بدین جهت گران میفروشند *

تفصیل کرایه ریل از سویس تا مصر که مسافت سه منزل دارد

از ذیل باید دریافت *

درجهٔ اولی نامعلوم درجهٔ ثانیه سرکس مد فروش درجهٔ ثالثه سرکس شصت قدش * واضح باد که این کرایه صرف نسبت حجاج معین است و برای اهل بلد و دیگر مسافران که آمد و رفت دائمی دارند در درجهٔ ثالث زاید از یک ریال کرایه نیست - و نسبت سامان و حایج سرکس ربع قنطار راکب درجهٔ ثالث - و نصف قنطار راکب درجهٔ ثانی را مجرا میدهند و زاید را کرایه میگیرند * اول ظهر از سویس بر ریل سوار شدیم و آخر مغرب در مصر رسیدیم - ریل در اثناء راه چند جا توقف بسیار لازم گیرد بدین جهت در مصر بدیر رسد - از سویس تا مصر جز خاک و م خاک دکوهای هولناک و چیزی از نظر نمیگذرد ولیکن جابجادر موقف ریل آب شیرین و حب حب و غیره میسر آید * آبداران مشکیزه در گلو با کاسه و سبو و بیا رمون و ابور طبقه زن سبزی فروشان متاع خود در دست گرفته گرداگرد هر مرد و زن - بدانکه درینجا گردون دغانی را نیز و ابور گویند فرق اینست که مرکب دغانی را و ابور بحری و اینرا دابور بوی نامند و سرک آهنی را سکهٔ الحديد و کارخانه اش را که در هند و سنان بالفظ انگریزی اسمیشن مشهور است اینجا دار سکهٔ الحديد گویند * این مصطلحات یاد باید داشت که جایجا ذکرش می آید *

فصل چهارم

در احوال رسیدن مصر و وزارت در خدمت اقدس یعنی مدفن سر مبارک

همینا حضرت امام حسین رضی الله تعالی عنه و قبر هیتنا زینب و
 سکینه و دیگر اهل بیت نبوی صلی الله علیه وعلیهیم اجمعین -
 و قبور بعضی صحابه رضی الله عنهم - و امام شافعی و امام ابو اللیث
 و امام جلال الدین هیوطی و غیره علیهم الرحمة - و حقایق جامع
 ازهر و مسجد محمد علی پاشا و باغ شجره و غیره •

الغرض را قسم المحروف چون قریب مصر رسیدیم هبزه و اشجار
 رنگارنگ از نظر گذشت - الحمد لله که دفع توحش کردم و
 زمین هند را یاد آوردم، در دار سکة الحدید سواریمای منعمه
 از قسم بگی و گدائی و فتن یک اسپ و اکثری دو اسپ که
 ارا به نامند و چهار و بغال و نیز پهلکه بار برداری بکثرت موجود و
 اسناده دیدم - همین که از ریل فرد آمدیم هر یکی برای کسب کرایه
 خود پیشش آمده یکی از دیگری سابقتی می جست -
 چون رفیقی از رفقای خود را یک روز بیشتر در مصر برای تقدیر
 مکان و غیره بدر بعه خط جناب سید محمد کنجی صاحب مفتی مکه
 معظمه بنام سید رضوان صاحب فرساده بودم او شان را آنجا موجود
 یافتیم. محمد رسیدن عاجز در جرم حمل انتقال و احوال مصروف شدند
 و در طرفه العین ازان فراغت کرده مایان را بر ارا به دو اسپ
 سوار کردند و به بیان خود در حوق الدراقین که مفاصله یک کرده دارد
 بردند - و هر چند در مصر جای افاست مسافران در بعضی امکنه که به
 تکیه نامند میسر لیکن باعث معیت زمان بیسنت تکیه که گذرگاه

عام است مناسب ناماده و در خانه سید صاحب مهر و طرح اقامت انداختیم - شب بخواب راحت خفته‌یم مباح بفعل و وضو تنظیمت ابدان و اعضا و دفع چرک و غبار هرجا و تبدیل پیراهن و جامه و تجدید جبه و عمامه کردیم و راه زیارت بزرگان کوفتیم * اولاً بر آستانه جنت کاشانه جناب سید الشهدا قییل دشت کریم نور دیده خیر الدور را جگر گوشه علی مرتضی لشخت دل زهرا امام الاصفیا قطب الاولیا نونهال جمنستان رسالت نخل مراد بوسنان سیادت ضیغم کارزار شجاعت رستم میدان شهادت مقتدای کونین پیشوای دارین سیدنا امام حسین رضی الله تعالی عنه حاضر شدیم - درین محفل خاطر ناتوان ذکر تحریر فقرات چند میداشت لیکن چون دید که آن نوباوه زیاض مهطفه‌ی و خلاصه دودمان مرتضوی را خدا و رسولش ستوده - زبان قلم از ندامت چاک و صفحه کاغذ سیاه و نمناک گردید که درین بحر ذخار دست و پا زدن و راه این باده هولناک گرفتن باد بمشت پیمودن و قطره بدریا انداختن است - لاجرم کیت خامه را بتحریر کیفیات ضروری و کمیات لازمه جولان داده می آید * علامه مقریزی در کتاب خود مسمی به خطط که تاریخ است کبیر در احوال مصر مینویسد که در سنه ۴۹۱ چهارصد و نود و یک خردیج کرد افضل بن امیر الجیوش با افواج قاهره بطرف بیت المقدس - پس بعد مقامله چون بتصرف خود آورد و قبضه کرد بیت المقدس را داخل شد در عسقلان که قریب بیت المقدس

است - و بود در انجا مکانی مندرس که در آن مکان سر مبارک
 هیدنا امام حسین رضي الله عنه مدفون بود - افضل سر مبارک را
 بیرون کرد و برداشت بر سر خود و از آنجا پیاده پا روانه شد تا آنکه همان
 حالت در مصر رسانید * و در بعضی روایت رسانیدن سر مبارک
 در مصر بتاریخ هشتم جمادی الاخری [۵۴۸] مانعده و چهل و
 هشت هجری روز یکشنبه و بعضی هوز سه شنبه دهم جمادی الاخری
 سز مذکوره نوشته اند - و دقیقگی بیرون کردند سر مبارک را خون روان
 بود و بوی مشک می آمد - پس دفن کردند در مصر قریب
 قبة الدیلم در باب دهلیز الخدمة * و در روایت دیگر چنان است
 که طلایع بن زریک چون خوف کرد از غلبه فرنگ بر عسقلان
 مسجدی کبیر یار است خارج باب زویله و اراده کرد که دفن
 کند سر مبارک را در آن جامع تا که موجب فوز و فلاح او گردد - بمس
 اهل مصر گفتند که تخصیص این سمادت شما چیست - آخر
 غایب کردند اهل مصر و دفن کردند سر مبارک را درین محل که
 موجود است - و سنگها و اسطوانات فیمنی که اد جمع کرده بود
 خارج باب زویله آنرا نقل کرده بروضه مطهره صرف کردند
 و نشان دشوکت آراستند - و این معامله ازین روایت در سنه
 [۵۴۹] معلوم میشود * و هم علامه مقریزی مینویسد که هرگاه سلطان
 ملک ناصر قبضه کرد مصر را شخصی که واقف بود از خزانة و دفاین
 مصر و خادم حاکم ملایق بود او را طالب کرد و نشان خزانة و دفاین جست - او

باد صفت تا کید خبر نداد - تا آنکه او را عقوبت میکردند و میخواستند همه‌های آهسته
 بر سرش میکوفتند او را ضرری نمیرسید و میخندید - چون سببش پرسیدند
 گفت که من نه دلی ام و نه چیزی کرامت دارم مگر سر مبارک
 امام حسین رضی الله تعالی عنه از عتلمان بر سر خود داشته تا اینجا
 آورده بودم همین سبب بر سر من گزندی نمیرسد - سلطان
 ملک ناصر چون این حکایت بشنید او را به بخشید و ابرام کرد - و روضه
 اقدس مدرسه و خانقاه بهار است و درس علماء و فقها در اینجا معین
 کرد و صاحبان انقیاء را و ران محال جمع نمود و در س علوم و دین
 ضریح اقدس معین ساخت * و در عهد معین الدین حسین ابن
 شیخ الشبویه بن حمویه بسیاری اوقاف نذر روضه گردید - و ایوان
 و بیوت برای تحصیل و تدریس علوم ظاهری و جسمی و خلوه برای
 کاسبان فنون و طریق باطنی بکمال شان و شوکت افزوده شد -
 الحکم بعد که تا ایندم کسب و اکتساب علوم ظاهر و باطن در آن محال
 جاری و معمول است * و روضه اقدس امام رضی الله عنه را با کمال
 رفعت و شان و علو مکان ترتیب داده اند - گنبد مزار اقدس
 از گنبد گردون گردان در گذشته رفعتش با گنبد عرش معالی
 پیوسته - در ساخت و انداز بی مثال در حسن و جمال مالا مال
 نوگونی کمره فلکی بنا و آستان روضه اقدس سه نهاده
 یا سمرغ فلک بیاضه بر زمین داده * و گرد روضه انور مسجدی
 کمال عظم الشان رفیع البینان رشک افرا می قد و بیان بیت العمور

جبریت بخشش از باب ایوان و قصور - معبد ملائکه^۱ ملاء اعلى هم جنب
 مسجد اقصی^۲ ؛ از عهد پیشین با روضه^۳ اطهر هم آغوش^۴ ،
 و بشوق و رک سعادت روضه دوشا دوش^۵ ، عابدان شب
 زنده دار قطار در قطار^۶ ، و زاهدان نماز گذار بیش از شمار
 لیل و نهار^۷ ، بلکه هر آن پیرامن روضه به تسبیح^۸ و نهیلان مصروف -
 و زوهروی مرقه مبارک یکی مصروف ذکر قلبی یکی ساکت
 و صامت امیدوار فیوض روحی - یکی در بحر فیوض لطایف خمس
 غوطه زن یکی در اکتساب کمالات باطنی زانو زیر کردن - یکی سر
 بحیب مراقبه یکی در فکر مکاشفه - یکی امیدوار ترقی در مقامات
 عالی یکی منزه تعلیم اسرار الهیه - یکی از باده معرفت سرشار
 یکی از جام حقیقت جرعه خوار * / باب

ندسته بمئی در حاله ربطی دارد * * زهد به نماز و روزه ضبطی دارد

معلوم نشد که یار مصور در زکیست * * هر کس بخدای خویش ضبطی دارد

روضه و مسجد شریف که عمارت نیست سنگی نهایت استوار
 صرف باعث استند او زمان چیز بی تغییر در نقش و نگار - سلطان
 روم خلد الله ملکه بمقتضای باند حوصلگی و نیز بهاس آداب دربار
 حسینی آن قدر تبدیل و تغییر نقوش و خطوط هم روان داشته حکم
 بآن فرمود که بنجد این عمارت عالی و ترتیم این اکنه^۱ رفیع کرده
 آید * راقم المحروف در همین حالت وارد مصر گردید و به چشم خود
 دید که سنگ تراشان فراد و از جان شیرین را مصروف سنگ

کفی کرده اند و صنایعان هر دیار بشوق تمام در اظهار هنرهای خویش
 پرداخته - کسی در کار اسطوانات مرمری مشغول و کسی در بنا
 دیوار سنگی مصروف - و کسی رنگ آمیز نقش و چهار و کسی
 دیده ریز نقوش و نگار - کسی قطع تراش لوح زبرجری و کسی
 کتابه نویسن رنگ لاجوردی - و کسی مایل کار طلا و کسی در فکر جلا *
 ای مشتاقان زیارت روضه 'حسینی و امی محبان اهل بیت نبوی
 آگاه باشید که زیارت روضه 'جناب وی رضی الله عنه صرف در کربلا
 بدون آنکه در مصر آید و زیارت کننده بر درجه تکمیل تمام نمی شود زیرا که
 دفن راس مبارک که رئیس الاعضا است در مصر ثابت پس
 آنکه در کربلا زیارت کنند اگر قصد تکمیل این سعادت دارند باید
 که سفر مصر هم بر خود لازم گیرند تا نقصانی باقی نماند - و همچنین
 زائران مصر را تکمیل در کربلا باید کرد که دفن بقیه 'لاش مبارک
 در کربلا بلا اختلاف ثابت - اگر چه بعضی علما گفته اند که جسد از سر
 شهدا فراق دائمی تواند گزید - و شهدایه نص قطعی حکم اجبا دارند چگونه
 باشد که کسی بی سر که رئیس الاعضا است تواند زیست * و از اینجا
 است که صاحب دلی از عاجز میفرمود که اگر چه جسد اقدس امام
 رضی الله عنه بی چشم ظاهر در کربلا مدفون شد لیکن در عالم آخر میل
 کرد بسوی مر مبارک و تشریف تشریف از زانی داشت در مصر
 والله اعلم بالصواب ' درین رازهای سر بسته و اسرار پنهان اولی
 است که لب نه پنهانیم - و ما ظاهر بیدان را اگر توفیق رفیق باشد

هر دو با رومی زیارت آریسم * عاجز تا اقامت مصر بر خود لازم گرفت
 که یکبار روزانه بر آستانه رحمت کاشانه حاضر میشدم و چنانکه
 میتوانست بر روضه اقدس که مقام استجابت دعا است ذات
 پاک امام رضی الله عنه را بدرگاه حق سبحانه و تعالی و سبیه آورده
 بالا جمال و نیز بالتفصیل برای خود و آما و اجداد و اہمات و اخوات
 و عمت و خالات و اخوان و برادران و خویشان و دوستان
 و اساتذہ و شیوخ کرام و اہل ملاقات و جمیع مؤمنین و مؤمنات
 و مسلمانین و مسلمات دعا حسن خاتمہ و مغفرت میخواستم
 ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم * بعد ازان زیارت کردیم
 میدتنا زینب رضی الله تعالی عنہا اخت الامام و سکینه بنت الامام
 را رضی الله تعالی عنہا - فضایل این بزرگواران اہل بیت معلوم
 ہر اعلی دانی و مذکور آیت قل لا امثلکم علیہ اجر الا المودۃ فی القربی *
 روضہ ہر یک ازین بزرگوار عمارت نیست عالی شان و مانند روضہ امام
 رضی الله عنہ آمادہ از جمہ سامان - علی الخصوص روضہ مطہرہ .
 جناب میدتنا زینب رضی الله عنہا را کہ مرست جہد کردہ اند طہ طہ طہ
 آن رشک افزای فردوس برین نقش و نگار آن حسرت
 افزای ارزنگ چین - الحق کہ عمارت نیست نہایت متبرک و
 مکان نیست کمال مبارک * سبب از زیارت میدتنا نفیسہ
 بنت امام حسن مثنی رضی الله عنہما مشرف شدیم اواز اکابر
 اولیاء و اعلی ترین اصفا در عصر خود بودہ - مناقب آن سیدہ و

مراتب آن حضرت عظیمه بسوی بزرگ بوده است - حضرت شان معاصر حضرت امام شافعی علیه الرحمة بود مجاهدات و ریاضات و خوارق عادات جناب مرمود چنانکه در بعضی رسائل از نظر عاجز گذشته کمال ترقی دارد * روایت است که جناب سیده سی سال بیابانی در حالت صوم گزراوید و افطار نفرمود - چون مرض موت با سهال داسگیر شد طبیب با فطار عرض داشت فرمود که این روز را به محنت سی سال بکفت آورده ام و بحضرت حق تعالی دعا کرده بودم که از پنجمان فانی صایم بهیرم تو میبخوایی که محنت سی سال ما را بیکدم بر باد دهی - عرض افطار نفرمود در حالت صوم ازین دار فانی بخلد برین رحلت نمود * روایت است که در صوم بیکه جناب سیده عزلت نشین بود و عبادت حق تعالی میفرمود امام شافعی علیه الرحمة بزیارت وی می شتافت و سماع حدیث از جناب وی میفرمود و چون امام شافعی علیه الرحمة بیمار میشد مردم پیش وی برای دعاء میفرستاد آنکس هنوز مراجعت نمیکرد که او شفایابی یافت - چون امام علیه الرحمة را مرض موت داسگیر شد حسب عادت کس پیش جناب سیده فرستاد او فرمود که متعه الله بالنظر الی وجهه الکویم یوم جزاء - چون اینخبر بامام رسید دانست که این مرض موت است وصیت کرد که جنازه اش را در حضور جناب سیده بپزند پس پنهان مگردند - جناب سیده بروی نماز گذارد و بعد اتمام نماز با تعف غیبی

نماد داد که حق سبحانه تعالی بخشید آنان را که بر شافعی نماز کردند
و بخشید شافعی را بهر کت آنکه جناب سیده بروی نماز کرد *
رحمت حق بها نمیخواهد * رحمت حق بها نه میخواهد

و همچنین حالات جناب وی بسیار است تفصیلش را کتابی علیحده
باید این صفحه قرطاس آفرانی شاید - در مدینه طیبه مناقب کبیره در
روز و حل جناب ممدود میخوانند * واضح باد که دیگر بسیاری از اهلبیت
بنوی صلی الله علیه و هلم و دیگر اکابر در مصر متام دارند که از
تفصیل ذیل واضح - و آنچه قبه را منسوب بر وضه حضرت رقیه کند
و گویند که جناب وی نیز اخت میدنا امام حسین رضی الله عنه
است - و قبه دیگر منسوب به بنات دیگر جناب امام رضی الله عنه کنند
و عاقله نام نمند راقم المحروف را تحقیقش نرسیده و در
مصر از نقاشان شنیده و الله اعلم بالصواب * این زیارتها که مذکور شد
هر چند اندرون شهر واقع لیکن چون بلد بنفسه عظیم است و مقام
زیارات مستغرق پس از نباعد محله هر کس نتواند که بی سواری
از یکمقام بمقامی دیگر شتابد الا در بعض محال - و بدست آمدن
سواری بگی و نتن و گادتی در مصر خیالی آهان و هر لحظه چون
کلمه مهیا با ساز و سامان - روزی زیارت امام شافعی علیه
الرحمة رفتم روضه اش از شهر چیزی فاصله دارد - و سوای
بزرگان مذکره صدر اکثر اماکن منبر که در شاه اهل بیت
بنوی صلی الله علیه و هلم و دیگر اکابر و اولیاء در مصر محل زیارت

است باین تفصیل : مشهد رأس زید شهید یعربی ابن امام
 زین العابدین رضي الله عنهما ولم یبق له رضم الله عنه غیر راسه التي بمشهد
 الذي بين الكومين بمصر بطريق جامع ابن طولون و بركة الفيل و هو يعرف
 بمسجد محرس الخصي - هكذا في الخطط * و آورد سر مبارک را در مصر
 هشام بن عبد الملك در سنه ۱۲۲ یک صد و بست و دو بمصر بمبارک
 دهم حماد الاخری روز یکشنبه - اکنون اهل مصر نشان نمیدهند شاه
 کسی از علما دانسته باشد * قبر سیدتنا کلثوم بنت القاسم بن
 محمد بن جعفر الصادق بن محمد باقر بن علی زین العابدین من الحسین بن
 علی بن ابی طالب رضي الله تعالى عنهم - موضعه بمقابر قدوش بمصر بجوار
 الخندق - وهي ام جعفر بن موسى بن اسمعيل بن موسى الكاظم ابن جعفر
 الصادق كانت من الزاهدات العابدات - کذا في الخطط * معجون سیدنا
 یوسف علیه السلام - علامه مقرر می حدیثی بکمال بسط نقل کرده
 است از سیدنا عبد الله ابن عباس رضي الله عنهما در فضیلت این
 مقام و محل استجابت دعا در آن محال - چنانچه عاجز حسب نشان
 دهم بعضی کان در آن محال که داخل قلعه هست رفت آن
 یکی از عجائبات است که بطور باولی تا تحت السرا از یک
 سنگ ساخته اند - مایان باشد کمال تمام باعانت روشنی در آن
 خریدیم - لیکن بعد از آن از ثقات بتحقیق پیوست که آن
 معجون یوسف علیه السلام نیست آن جایی است از بنا
 یوسف صلاح الدین و تنج سیدنا یوسف علیه السلام در مصر قدیم

است بآن طرف دریای نیل و اکنون آن دیران است تعیین
 آن مکان بکسی معلوم نیست * قبر میدنا عبد الله الانصاري - این
 قبر در تحت است و محاذی آن بالایش قبری دیگر و بران نوشته
 اند که سیدی ساریة الجبل غرض اینست که معلوم میشود که آن قبر
 آن بزرگ است که در قصه ساریة الجبل امیر شکر بودند *
 مسجد محمد علی پاشا البته تباری آن از احاطه اوصاف بری -
 و در گوشه مسجد قبر پاشا منطابعلات زری - دیوار اندرون
 مسجد از سر تا پا عقیق ابری - یعنی جائی سفید و جائی زرد
 منظور نظم جوهری - سائبان مسجد در جانب بر پایه سنگست
 مری - هر یکی صافی نراز رنگ بری - طول و عرض هر پایه خارج
 از تصور بشری * قبر نفیسة البکریة در گوشه جامع ازهر [گویند]
 که آن بنیت سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه است [والله اعلم]
 بالصواب * قبر میدنا کعب احبار رضی الله عنه از تابعین - بیرون
 شهر مصر * قبر عبد الرحمن کنجی - بردری از درهای جامع ازهر *
 قبر مصنف عینی شرح بخاری - قریب مسجد ازهر * قبر مصنف
 قسطلانی شرح البخاری - قریب مسجد ازهر * قبر امام جلال الدین
 سیوطی علیه الرحمة - قریب مقبره امام شافعی علیه الرحمة * قبر شیخ امام
 ابواللیث علیه الرحمة - قریب مقبره مذکوره * قبر شیخ عبد الوهاب
 شعرائی - مصنف میزان الشعرانی و بسیاری از کتب در علوم دینی
 اندرون شهر *

قبور بزرگان به مقامات متفوق

الشیخ رملی کبیر * الشیخ رملی صغیر * میدنا علی عم مید احمد
 البدري * محمد شمس الدین حنفی * الشیخ سرقاوی * الشیخ احمد
 دمنهوی * الشیخ خطیب شریعی * الشیخ علی دمنهوی * الشیخ
 الکفرادی * الشیخ ابو العقیفی * سید یوسف * شیخ الاسلام محمد الامیر *
 الشیخ ابراهیم باجوری * الشیخ علی شحرماسی * الشیخ النجروی * مید
 المصطفی البکری ابن کل الخاوتی * مید الکردي * مید عبد الوهاب
 بغدادی * الشیخ حمد السمان * شیخ الاسلام ذکریا الانصاری * الشیخ
 ابوداؤد * الشیخ محمد الانوار * مید علی الجعفری عم مید تما نفیسه *
 الشیخ البهوصی مید علی جوهری * مید احمد جوهری ابن عبد الصمد *
 مید عبد الکریم * سلطان عبد العزیز * سلطان عبد الله * مید
 محمد شمس الدین * مید جعفر الصدیق * الشیخ بلقینی * الشیخ
 تاج الدین * الشیخ یونس * الشیخ ابو العمیل * در حوالی روضه امام
 شافعی علیه الرحمۃ مقبره ایست چون محرابی رستخیز کبیر - و مانند
 دشت قیامت مجتمع بسی برنا و پایر - اینجمنین مقبره وسیع و مهاب
 از قبور شریف و رفیع از نظر نگذشت - ندانم که از بدو فطرت
 عالم اموات تمام روی زمین را مدفن اینجا است یا همه جده هزار عالم
 و اتمام شبیون در اینجا - الغرض کثرت قبور دلیل بر آنست که این
 شهر نهایت قدیم است و الی الان کمال عظیم - عمارات عالیه
 بسیار از بسیار و اکنه رفیع بیرون از هر شمار مباح

سنگی لاتعد ولا تحصى و زاید از سه هزار بقیاس استقرا
 و هر مسجد قلعه ایست جلیل الشان و حضی است قوی البنیان
 و سمت و فسمحت هر یکی خند بر دل کریمان و چشم بر دشت
 نریمان میزنند دیوار مساجد در رفعت از قله کوه در گذشته و
 در عرض از قله تا بدین کوه رسیده جز سلاطین ماسبق گرا همت
 که بدین نظم نشستی باب و گل زند و سنگ زیره بدیوار نهند
 حلی التخصص جامع از هر اشهر المساجد است دوازده هزار و بردایندی
 هفت هزار طایفه علم و هانصد علماء و حید عصر و فضلاء فرید و هر دران
 مسجد هر لحظه و هر آن مصروف درس و تدریس و هزاران
 صالما و اتقیا مشغول تسبیح و تقدیس پس ازین مختصر
 مفید قیاس باید کرد اهتم و انتظام هر یک امور را از اقسام
 اکنه و مدارس و حجرات و خلوای هر یگان در حوالی مسجد و
 تشریفات امور اینها از ماکل و مشارب و مصارف و غیر
 ذلک طلباء دیار بعیده و اقالیم عدیده بشوق تحصیل علوم جمع آمده
 جان بازیهای کنند دگیل و نهار یکاسب فنون محنت مشاقه بر
 میدارند و کفاف از دربار سلطانی می یابند الحق که درین زمان
 دارالعلم مصر است و بس * بیرون مصر باغیست مسمی به شیره
 بضم شین و سکون باء موحد - مشاقه نامانجام دیم چون سالتین
 هند یاد آوردیم شهرت این "تعجب کردیم

تو و طوبی و ما و قامت یاره * نگو هر کس بقدر همت ارمیت

آبادی و شادابی سرزمین مصر البتّه از مسامات لیکن
بالخصوص درین باغ نه چیزى از تکلفات و نه از نوادرات آواز
دهل از در خوش است *

فصل پنجم

در احوال زیارت هیدنا احمد بلوى قدس سره

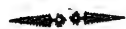
بمقام طندنا و سر سبزی و شادابی زمین مصر

راقم الحروف چهار روز دو مصر متبعم مانده قصد زیارت هیدنا
احمد البلوى رضی الله عنه کرده و قبل العصر بر ویل سوار شده نماز
مغرب در طندنا خوانده و آن نصف طریق است از مصر تا
اسکندریه یک شبانه روز در آنجا اقامت ورزیده از زیارت جناب
سمیع احمد بلوى و دو بزرگان از یاران شان یکى شیخ مجاهد و دیگرى
شیخ هید العالی که قریب روضه آن حضرت در قبه های جداگانه مدفون
اند مشرف گشته - بدانکه طندنا قصبه ایست مختصراً دلچسپ
اجناس ماکل و مشارب از نان و پنیر و شکر و شیرو
غیره هر قسم در بازار موجود - خریده و حجب بکثرت در وجود -
روضه مقدسه آن در یگانه بحر معرفت شایرستان حقیقت
هالیم اسرار و هفت کاشف رموز طریقت سم و دفتر فدو سببان
سالار سبوحیان مرکز دایره اخلاص منظر مدارج قرب و اختصاص
ظلمت زدامی خاطر ضربه در دمان رنگ ربای شبیه تبره دلال

مقبول بارگاه الهی منبسط و منظر کبریائی سه خیل اولیاء آفاق
 سرعطقه صابدان اهلن مذاق مینع فیوض ظاهری و باطنی مظهر
 تجلیات صوری و منوی سید احمد الهدوی رضی الله تعالی عنه
 در دست آباری طمد تا واقع و هم پهلوی روضه اقدس مسجد
 سنگی با کمال عظمت و رفعت پیراسته اگر درین مقام در
 تعریف روضه و مسجد سرزم از مانحن فیه خارج میشوم لهذا
 برین خردی اکتفا میورزم که این مسجد و روضه را نیز در حلقه
 عمارت و شان و شوکت همچنین مساجد و روضه های دیگر بزرگان
 که در کیفیات مصر بیان شد باید شمره انظام و اهتمام اینجا
 از در بار سلطانی علاقه دارد بلکه مداخل هزاره رویه مانده از آراضی
 و باستان و بیوت و دکاکین اوقات که از زمان سلف امر
 و مایوک عرب نزد مسجد و روضه کرده اند می آید بالفعل مسجد
 و روضه محمد و مرمت میشود قیاس باکم حمالگان چنانست که
 مزاید از ده لک روپیه در مرمت خرج افتد جمله اسطوانات
 که تمام مسجد بر همان قائم است سنگ مر است بی اوصال
 و دیوار مسجد از رخام مصفی در نهایت حسن و جمال مکان
 حوض و مطهره در بهایوی مسجد عمارت نیست جداگانه جمله سامان
 و خواجه متعلقه مسجد و روضه هر یکی از دیگری یگانه زاید از ربع
 و کم از نصف مرمت مسجد فراغت کرده اند و کارگران بردار
 چون جوق بعمارت پرداخته متولیان مسجد که نامشس بتحقیق نرسیده

صرف اہمیت دین کار میفرماید و چندانکہ می تواند ماخل
اد قاف را دین کار می آورد جناب حضرت دی را رضی اللہ عنہ
در ملک عرب درجہ بس بزرگ بوده است و در اکثر کتب فضایل
حضرت مذکور است و احوال و مناقبش را اکثری از اولیاء و
علماء در کتب مبسوطہ نقل کرده اند و نمایندہ در طند تا کرامات
عجیبہ ظاہر ظاہر است تفصیل آن دین مقام موجب تطویل
کلام بروز حول یعنی عرس حضرت اجتماع خلائق را بعضی برابر
اجتماع صبح و بعضی زاید با راقم السحر نقل کردند موسم
عرس را قریب یکماہ باقی بود کہ راقم در طند تا رسید تعداد
کرایہ ریل از مصر تا طند تا از ذیل باید دریافتہ درجہ ثانیہ فی کس
چہاں قدش درجہ ثانیہ فی کس دو ازدہ قدش و قتیکہ از
مصر راہ طند تا گرفتہ دیدم کہ زمین از نباتات سرسبز و شاداب
بود کشت دہقان باج از حوالی اضلاع بردوان و تربت میر بود لالہ
دران سبزہ زار مینمای اخضر می نمود کل در حسرت پردخ سبز
رنگان میکشود نسیمین رنگت زمردی گرفته نستین فیروزی گشتہ
گردون دغانی از پرتو نباتات چون گردون گردان اخضر قام شیشہ
دریچہ بایش چینکی سبز بر چشم ہر خاص و عام الحق کہ زمین
مصر در حق موالید حبوب بی نظیر و نمونہ دیار کشمیر از تحقیق
سمع رسید کہ کاشتکاران نام اراضی افتادہ ندانند و زمین
را از زرع و حرث گاہی فارغ ندانند لیل و نہاری کارند و برمی

بردارند - باران در مصر بهار و بسیاری زمین صرف از دریای نیل
تعلیق دارد در موسمی معین بی بارش و باران نیل بمحوش
آید و چون دایه ابر بهاری اطفال نباتات را شیر آجیات به بخشد*
عاجز که در ماه سانون وارد مصر گردیدم از مردمان شنیدم که
موسم جوش را ده پانزده روز باقیست - و لطف انبیاست که یکبار
در هر سال جوش زند و تمام رومی زمین را بقدر حاجت
سیراب کند - زمینش چون تخته چمن هموار و نمناک - کشتش
از نشیب و فراز پاک - با بجا جو بهایه خدیر که مستزاد دریای
نیل توان گفت چون خیر کربان جاری - و بوقت حاجت شیده
مزارعان باستانی تمام ازان جو مصرف آبشاری - و همچنین است
حقیقت شادابی تمام ارض و بوم مصر* عاجز که از مصر تا اسکندریه
بر ریل گذر کردم قدر نقطه موهوم نیز زمین از نباتات و حبوب خالی
ندیدم و در اثناء راه قزای کبیره بنقره قلیله بسی از نظر گذشته
نمرقیه از کثرت بیوت و امکنه پخته و خام آباد - و آن دلیل است
بر اینکه رعایای دیه خورم و شاد - و مکان در طند با قریب روضه حضرت
احمد بدوی قدس سده عاجز را میسر آمد و آن مسمی است بگوگاه
که مراد ازان همان تکایه و خلوه باشد فرق و تفسیر لفظ است و
مقدار کرایه فی خلوه هر روز ده قروش دس *



فصل ششم

در سپیدن شهر اسکندریه و زیارت سیدنا دانیال علیه السلام و حضرت

بوصیری صاحب قصیده بوده و اسکندر ذوالقربین و دیگر بزرگوار

مقام مذکور - و تصدیق و ملاحظه تجدید تذکره درین مقام *

بالآخر از طنطا قبل دو پهر رخت سفر بستیم و بر ایل سوار شدیم نماز
ظهر آخر وقت در اسکندریه خواندیم اینجا نیز اگر چه مکانات مسمی بواله
و هم قهوه خانه مبسر لیکن باعث معیت زنان مکان علیحده توسط شخصی
مسمی عبد الله شراذ بذریم خط حاضی فرج یسر صاعب کرایه گرفتیم
و سه چهار روز اقامت کردیم - دو ریال بابت مکان زنانه و
همچنان نسبت مجامع مردانه کرایه دادیم - کیفیت بلده اسکندریه
قالب تحریر نیست که اینست مجمع نصاری و یهود - و محمل هزاران
کفار مردود - اگر چه حاکم اینجا سلطان روم - لیکن کفره روس
و فرانسیس و نصاری و یهود حاوی این مرزوبوم - از اینجا ولایت
نصاری و هم استنبول پای تحت سلطان روم دام مالک
قریب است و دایما مراکب دخانی از طرف اکثر قوم نصاری
یعنی روس و فرانسیس و غیره آمد و رفت دارد - زیران بیت المقدس
را دریابا که ذکرش آینده می آید فرد می آرد - و روندگان دمشق
و حلب را در مقام بیروت نازل میکند - مقامات و زیارت در دمشق
که مراد از خاص شهر شام است بسیار لیکن طاهر با وصف قرب

باعث میت سواری زمانه فراغ رفتن آن مقام نیافت و از استنبول کاری نمیداشتیم چرا میرفتیم و در ولایت نصاری حق تعالی کسی مسلمان را نبرد - در دمشق زیارت حضرت بلال و حضرت ابوهریره رضی الله عنهما و حضرت محی الدین ابن عربی قدس سره صاحب فتوحات و مولانا خالد نقشبندی قدس سره مشهور و معروف است - از مفتحات شهر اسکندریه همین قدر است که بزرگان مفصله ذیل آرام فرمای این زمین اند *
الحمد لله که راقم از زیارت اینان مشرف گردید تعداد کرایه ریل از طنطنا تا اهکندریه به مثل آنکه از مصر تا طنطنا *

قبر بزرگان در بلد اهکندریه

حضرت شرف الدین بن سعید بوسینی صاحب قصیده برده - روضه ایشان را بسیار پر تکلف عمارت کرده اند و قصیده برده بر دیوار روضه و مسجد نهایت خوشنحو و خوب بآب زر بالاسنیماب نوشته اند - یک چهار اندرون مسجد متعلقه روضه دیدم که گاهی آنچنان نا این عمر در کلکته و مرشد آباد و هوگی و نیر در اقلیم عرب که بسیاری مقامات پر تکلف است ندیده بودم و شاید کسی جز این مقام ندیده باشد - حضرت مولوی شاه محمد عمر صاحب قبله و مولوی ابوالحسن صاحب باوصف مشاهد تکلفات دهلی و لکهنو و دیگر بلاد هند متفق اند که این چنین چهار گاهی از نظر ما هم نگذشته بود باعث اختصار از تحریر کیفیت آن منعذر *

حضرت سید احمد ابوالعباس الموصی تلمیذ شیخ ابوالحسن شاذلی صاحب
 حزب البحر و دو . لمران، اوشان سید محمد و سید احمد زمانه
 اوشایان را ششصد سال گذشت * سید علی بن محمد خزرچی *
 سید عمر بن علی الفاکنفی - شارح رساله فقه فی مذهب امام
 مالک رحمه الله علیه و تیسر شارح اکثر متون فقه در مذهب دیگر ائمه *
 سید یاقوت العرشی از یاران سید احمد - ابوالعباس و نهر فیض
 صحبت حضرت سید احمد بدوی یافته * نبی الله دانیال علیه السلام -
 مزار اقدس در تخته خانه واقع و بالای آن مسجد مکلف آراسته *
 حکیم لقمان رضي الله عنه - در حقیقت قبر اینجا نیست امری از
 انار شان است قبر قریب مقام لد است که ذکرش خواهد آمد *
 شیخ یعقوب قدس سره - شیخ مقروح قدس سره - شیخ عبدالرزاق قدس
 سره - اسکندر ذو القرنین - قبر ایشان در بستان بی مکلف و
 بی سامان محبان عبرت انسان - کجاست آنجا و حشم و پره شد
 آن شکر و خرم * واضح باد که افراد تذکره که از مکّه معظمه از
 دفتر سلطانی عنایت میشود و ذکر آن بالا در گذشت لازم که
 در اسکندریه برعانیه کارگذاران محکمّه آنجا که بکناره دریا واقع
 است بگذرانند - تا آنها صاحب قواعد سرشته خود را در دفتر سیاه
 کرده مزین بهر و دستخط خود را نموده ورقی دیگر از سرشته خود
 منضم بان نمایند و نیز یک کافه جداگانه در زبان ترکی عایده دهند - تا آنکه
 تکمیل تذکره بدینخط بکنند سفر بیت المقدس خصوصاً مراجعت

از آنجا و دخول در اسکندریه و غیره مخال است - تذکره دلیل
 است بر اینکه صاحب آن مجاز است بدخول و خروج هر حکومت
 سلطانی و اهل تذکره مستثنی است از اعدا و ضمیمه نگاران
 سلطنت روس و فرانسیس و نصرانی - و بدین جهت وقت
 دادن تذکره تحقیقات سرسری برند و بدون ضمانت و معرفت
 یکی از اهل عرب محض اجنب را تذکره ندهند - لیکن درین کار
 مشکلی نیست در چشم زدن طی میشود و هر چند قروش بیج
 خرج نمی افتد - تذکره را که از مکّه معظمه می آرند و بدان ورقی دیگر
 در اسکندریه می چسباند آنرا وقت مراجعت در یافا همتیمان مرکب
 و خانی میگیرند و منقوض بریس مرکب کنند و افراد منقرده و جداگانه
 را به پنهان در دست مسافر گذارند - چون مرکب در اسکندریه
 رسیده رئیس آن فوراً افراد تذکره را در کارخانه اسکندریه
 فرستد و از همان کارخانه نازلین مرکب را راه شهر دهد -
 کارگذار کارخانه نام مسافر از تذکره مقابل کرده بذریعه پذیر
 عالمیده رخصت خروج از یک دروازه فرماید - و هر روز دیگر باید
 که مسافر افراد منقرده را که بدست ادست دران کارخانه ببرد
 و دران هم نام مسافر مطابق تذکره که معظمه مندرج است -
 بس کارگذاران انجا تذکره که معظمه دایس کنند و فرد موصوفه
 است ابقه خود را از ان بنمراشند و فرد منقرده را دایس کرده بجای
 ان فردی جداگانه جمید دهند *

فصل هفتم

در روانگی از اسکندریه بطرف یافا بمرکب دخانی و اقامت بمکان

سید حبیب الغنی وفا

بدانکه عاجز چهار روز در اسکندریه اقامت ورزیده بر
مرکب دخانی از ان قوم نمسا که [این هم یکی از طایفه نصاری
باشند] بادای کرایه مرکب و باخذ نذکره دیگر که آن صرف نسبت
ادای کرایه مرکب می باشد سوار گردید و در یک شبانه روز در بندر
یافا رسید - کرایه مرکب در اسکندریه سرکس بحساب چهار
ریال چیزی زاید دادیم و بر سطح مرکب مانسیم و برای مسنورات
یک کوتهری از ان کوتهریهای بعضی کارگذاران مرکب گرفتیم -
دستور این جهاز چنانکه چند کوتهری به تحت تصرف بعضی اعظم
عهده داران مرکب برای راحت و آسایش آنها معین مالک
مرکب را دزان تعرض نه متصرفان کوتهری از طرف خود بکرایه میدهند
و بجای خویش می نشاند و نفع آن می جسته و خود بر سطوح
و دیگر حوالی و جوانب مرکب گذرمی کنند - لیکن این امر مشروط
است باینکه راکب جهاز کرایه مالک بابت لدا می درج ادا کرده
باشد - چرا که سواری بر جهاز بدون ادای کرایه اهل مالک ممکن
نمیست - بدین سبب نسبت مسنورات نیز بحساب نذکره
صدر کرایه داده سوار شدیم و مقام اقامت مسنورات در کوتهری

کردیم دوگینی مجیدی طامانی که قیمت هر دو تخمیناً نه ریال
 چیزی کم و بیش میشود. بمتصرف کوتهری دادیم - در یافا
 تماشای اسباب و مایه 'نذکره' اولی میشود و تذکره که نسبت
 ادای کرایه مرکب است آنرا رئیس مرکب هنگام قرب
 منزل منقول از اهلان نذکره و ابلس میگردد. و همچنین دستور
 جمله مراکب دخانی است مرکب از اکملیه تا یافا بیک
 شبانه روز رسد و آن بندر است مغیر خوش اسلوب
 اشیاء ماکل و مشارب از هر جنس موجود - علی الخصوص
 قسمی از نان خمیری نادر الوجود - و سیب و انار و گولر و انجیر
 و انگور و خربزه در غایت ارزانی - باغات فواکه به نهایت فردانی -
 مسجدی جامع اندرون شهر واقع این مسجد مشتمل است
 بر دو دروازه یکی شمالی دیگری جنوبی - بر در شمالی حوض و مطهره
 کنیر و محال خروج و دخول عامه خلافتی - و متصل باب جنوبی و کاله
 حیدر عبد الغنی و فادانهایت مره لایق ذی مروت و خلیق و بر حال
 مسافران شفیق مردم زنده دل و بشاش - تاجر بعضی قسم
 نیاب و قماش - در یافا مکان برای سکونت میهرنه آید الایستقت
 تمام عاقر سه منزل کوتهری کرایه گرفته سه روز در آنجا مقیم
 ماند و دینیم ریال کرایه داده بسوی رمله که مقامیست بس
 متبرک رخت سفر بسته



فصل هشتم

در روانگی از بافا بطرف رمله و زیارت سید ناصالح و سیدنا
ایوب علیهما السلام و سیدنا فضل ابن عباس و ام الفضل
و دیگر بعضی صحابه علیهم الرضوان و سیدنا عبد الرحمن
بن ابی یزید بسطامی و سیدنا صالح ابن محبوب شعبانی و
امام نسائی و دیگر بسیار بزرگواران قدس الله اسرارهم *

بعد نماز ظهر از یافا سوار شدیم و آخر عصر در رمله رسیدیم *
بدانکه بیت المقدس از یافا فاصله دو ازده سیزده کرده دارد و تا رمله
بلکه ناصیه قباب که نصف الطريق است راه هر گونه صاف
و پاک است و بعد ازان کوه و منارات هولناک - و سواری
از یافا جز بغال و حمار یا اسپان دهنوار دیگری مروج و معمول
نیست - و اگر چه شتران بکثرت مهیا لیکن از کار سواری مطمین
مترا هر که شغوف و شبری حسب قواعد دیار حجاز در بین
محمیان ناپیدا و برای زمان دد شغوف چونی صغیر هر دو طرف
بر بغال بندند و همین طور تا بیت المقدس رسانند - چون فاصله قلیل
و اجر کثیر هر گز مختنی مستحبیل نمیشود نشیب و فراز کوه را از قباب
تا بیت المقدس که زاید از ششش کرده نیست عسیر الانقطاع
نباید شمرد و نرد همت نباید باخت لیل و نهار مسافران را
گذرگاه است و زائران بیت المقدس را همین راه - آب سرد

جایجا در فرامی جنباید و بسائین عنبر طراوت افزای زبان و کام -
و جائیکه خواهند در سایه درختان زیتون و غیره محل آسایش
و آرام - اگر چه ساکنان این دیار قطع منازل اکثر در شب
معمول دارند لیکن ساکنان دیار غریب خصوصاً اهل هند را
که ضعیف القوی می باشند نباید که بیش از یافا رخت سفر
بندند بلکه بروز روشن گذر نمایند - و با مالک بغله و چهار و غیره
که آرا مکاری گویند وقت تقرر کرایه شرط توقف و اقامت
اشاء را در بنظر حصول زیارت و آسایش و راحت باید نمود - غرض
از مام اختیار نسبت اقامت اشاء راه و غیره بدست اهل بغله
نباید گذاشت * عابر با جماعه کسان در راه در حجره مسجد که از
متمایقات روضه اقدس هید نافضل ابن عباس عم رسول صلی الله
علیه و آله است براح تمام یکشب و روز بسر کرده و از زیارت
آنجا مشرف گشته * رمله متعینست بس خالی و مجمع بسی اکابر
و دلی - مسجدیکه در گذشته آن مدفن صدقنا صالح علیه السلام
است طول و عرض و شان و عمارت آن اگر قریب نصف
مسجد اقصی که ذکرش متعاقب می آید گویند بجاست لیکن
افزون که آن مسجد بالکلیه ویران - و در دیوارش از میراث افغان -
اکنون محل نباتات و حشرات الارض - نه مقام ادای نوافل و فرض *

یافا را فلسطین هم نامند و در کتب تواریخ ذکرش بسیار آرند از سوادش
متنبط که بزمان پیشین بلد عظیم الشان و مجمع انبیا و اولیای

ذوی المکان بود- صاحب انص الجلیل فی تاریخ القدس والخلیل. کسی از
حقیقین ساجد و مدارس و خیرات و برکات فلسطین حکایت
کرده است لیکن عاجز و شعث لما خطه 'تفصیلی نیافت *

مقامات زیارت در رمله

قبر نبی الله سیدنا ایوب علیه السلام خارج بله در گنبد ویران * قبر
نبی الله سیدنا صالح علیه السلام در گوشه مسجد متذکره بالا * و در
تخت خارج مسجد قبور چهل کس غازیان خارج از بله * قبر سیدنا فضل
ابن عباس رضی الله عنهما یعنی ابن عم رسول الله صلی الله علیه وسلم
من الصحابة متصل بله * قبر سیدنا زین رضی الله عنه من الصحابة قریب
سیدنا فضل ابن عباس رضی الله عنهما * قبر هفتم و بزرگان از بدر بن
رضی الله عنهم یعنی از جمله آنها که در جنگ بدر بر رعیت رسول مقبول
صلی الله علیه وسلم بودند من الصحابة و اطراف عاصمه قریب مسجد
متذکره بالا * قبر سیدتنا لبابة الکبری ام سیدنا فضل ابن عباس رضی الله
عنهم من الصحابة خارج بله در میدان بدون قبر * قبر سیدنا ابی
صالح القناس من الصحابة رضی الله عنه قریب بله * قبر سیدنا امام
البزاز من التابعین قدس الله سره قریب قبر سیدنا ایوب علیه السلام *
قبر سیدنا عبد الرحمن ابن حضرت سیدنا بایزید بسطامی قدس سرهما
داخل بله * قبر سیدنا صالح ابن محبوب همجانی قطب ربانی سیدنا
عبد الغادر جیلانی قدس الله سرهما داخل بله * قبر سیدنا امام نسائی علیه
الرحمة جامع سنن نسائی در جنب مسجد متذکره بالا * قبر حضرت

ابو الخجل عليه الرحمة بپیرون اطاهر * سبخر * قبر سعد و سعید علیهما
 الرحمة از اکبر دین خارج بلد * قبر حضرت امام خیر الدین صاحب
 فتاویٰ علیه الرحمة خارج بلد * قبر عبد الله بطایحی علیه الرحمة خارج
 بلد * قبر سید فلجی علیه الرحمة خارج بلد * قبر سیدتنا حلیمه لاکن
 مشکوک چرا که حلیمه، سعیدیه رضی الله عنها در مدینه منوره مدفون
 غالب که حلیمه دیگر باشد قریب البلد * قبر جعفر ابو العباس علیه
 الرحمة منصل بلد * قبر شیخ رسلان علیه الرحمة قریب البلد * قبر
 سید السطوحی ابن اخت سید احمد بدوی قدس سرهما * قبر سیدنا
 ابوسعید از اولاد سیدنا عمر ابن خطاب رضی الله عنهم داخل بلد * قبر
 سید نوران علیه الرحمة * قبر شیخ شهاب الدین رملی علیه الرحمة *
 قبر شیخ محمود عدوی علیه الرحمة خارج بلد * قبر سید صالح من
 السادات علیه الرحمة خارج بلد * قبر شیخ نجیب من الساجدین قریب
 البلد علیه الرحمة * قبر شیخ ابو العون من اولاد سیدنا عمر بن خطاب
 رضی الله عنه * قبر شیخ ابو الهدی ابن شیخ ابو العون علیهما الرحمة *
 قبر حضرت علیحی علیه الرحمة از اولاد سیدنا عمر خطاب رضی الله
 عنه * قبر سید الزبلی از یاران امام اعظم علیهما الرحمة * قبر
 شیخ البای علیه الرحمة * قبر سید تقی الدین علیه الرحمة * قبر سید
 احمد الحمار من السادات علیه الرحمة * قبر شیخ ابو الودائع
 علیه الرحمة * قبر شیخ محبوب علیه الرحمة * بدانکه ما بین مقبره سیدنا
 صالح علیه السلام و حکیم لقمان علیه الرحمة مردیست که دو صند و پنجاه

نبی را مقام است علی نبینا وعلیهم الصلوة والسلام لیکن اسما
کسی معلوم نیست - زمین شام . مجمع انبیا است * و زیارت
قبو حضرت حکیم لقمان که در انشاء راه بود از خطا، سکاری فوت شد
انشاء الله تعالی در سفر مراجعت بناذیش خواهیم پرداخت
و حقیقت آن آنوقت خواهیم نگاشت شبانه روز در راه مقیم
مانده رخت سفر بومی بیت المقدس . ستم *

فصل نهم

در رسیدن بیت المقدس و بعضی فضایل آن مستبط

از قرآن مجید و احادیث شریف

الغرض اوسط ظهر از رمله سوار شدیم وقت مغرب در انشاء
راه مخدومی جناب حکیم محمد اسمعیل صاحب یکایک بعارضه
اسهال مبتلا شدند باعث بیماری بسیار زحمت کشیدن گاهی میگفتند
که وقت ما آخر است و گاهی میفرمودند که کون ما سفیر گاهی کلمات وصیت
بر زبان جاری و گاهی اشاره ایاس ازین بیماری - عرضداشتیم
* گر رنج پیشت آید وگر راحت ای حکیم *

* نسبت مکن بغیر که اینها خدا کند *

دران محل که شب تاریک و راه بلرک جبال متراکه زیر و بالا
سنگ ریزه زیر پا بود عجب حسرت افزود که نه بامی رفتن و نه تاب
ماندن - کسان کسان و افغان و غیران در قهوه خانه باب الواد رسیدیم

اتفاقاً فهو خانه از مسافران فارغ نبود اجماع آنها چون مورد مانع
 مینمود همچنان زیر دامن کوه شب را سحر کردیم - داین عرصه حکیم
 صواب را سکون و اطمینان شد - صباح عنان عربت بسوی
 بیت المقدس برداشتیم قریب دو بهر بحفظ و آمان در تکیه هندی که
 شینج یعنی رئیس آنجا مردمی هندی بخدا الله خوجه است فروکش
 شدیم - نامبرده در اخلاق و راحت رسانی مرد معقول لیکن بیچاره
 نه در طایفه زنان نه در زمره فحول - در آن مکان سامان راحت
 هر طرح آماده و هر چیز از ضروریات پیش او نهاده سنهاریج مرتعده
 مماند از آب برف - مسجدی اندرون احاطه تکیه نهایت شگرفت -
 درختان توت و انجیر در صحن سایه گستر - بوریاه غیره مسافران
 را میسر - کمال راه بروز درود فرست زیارت بیت المقدس
 که مراد از مسجد اقصی است نداد صباح زیارت کردیم دیده منتظر
 را نور و خاطر مشتاق را سرور یک حاصل شد اگر تمام زمین
 صفحه کاغذ شود توانم نوشت - مسجد شریف را اجنه تعمیر کرده اند
 و سنگ را پر مورد شده اند هر جا که خواسته اند کوهی از یخ و بن
 قایم کرده اند و در زمین تا طبقه سابعه نام مثنی خاک
 نگذاشته اند سجاده سنگ بر روی آب گسترده اند * مدح آن
 انسان را چه لایق که آیات و احادیث صحیح بران ناطق - شاعران
 سخن پرور و منشپایان معنی آور در هر صاهر و دیگر مقامات
 منبر که مبالغه نسبت به مسجد اقصی آرند - و چون خاص مذکور مسجد

افصى باشد مشبه به که اعلی از مشبه باید از کجا آید که کسی
 با ستاره و تمثیل پیروازد - اینجا زمین سخن سنگ زار دراه
 این دشت دشوار گذار است آداب مسجده مانع قبل و قال و
 سکوت اولی در همه حال فضایل بیت المقدس در قرآن مجید
 یستمار است و احادیث شریف درین خصوص بسیار -
 ندی ازان تیمنا و نبر کا گوش گذار کرده می آید قال الله تعالی
 سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد
 الاقصی الذی بارکنا حوله * اگر گویند که اسرا در لغت
 بمعنی سیر شب آمده پس در آینه شریف ذکر لیل
 به فایده داده جواب اینست که حق تعالی لفظ لیلا را تکرار آورده
 و تنکیر دلالت میکند بر بعضیت و قصر زمان پس معلوم شد
 که دران شب باندک زمان سرور عالم صلی الله علیه و سلم
 تشریف برد و رجوع فرمود با وصف آنکه از مکه تا بیت المقدس چهل
 روزه راه بود - و تأیید میکند این فایده را قرائت سیدنا عبد الله بن مسعود
 و حذیفه بن الیمان رضی الله عنهما که درین آیت من اللیل خوانده اند
 یعنی بعض اللیل - کفرله تعالی و من اللیل فتهجد به نافله لک که امر قیام
 در بعضی لیل است * نکته اگر گویند که چه حکمت است درین
 که حق تعالی حبیب خود را صلی الله علیه و سلم از مکه معظمه اول
 در بیت المقدس رسانید و از آنجا بر آسمان رود چرا دفعه و اهره
 بر آسمان طالب نقرمود - جواب اول اینست که بیت المقدس

محشر خالق است پس حق تعالی شرف گردانید آنرا بقدم
رحمة للعالمین صلی الله علیه وسلم تا آسمان شود بر است و می و قوف
میدان قیامت بر برکت اثر قدم النبی صلی الله علیه وسلم *
ووم اینکه بیت المقدس مجمع ارواح جمیع انبیاء علی نبینا
وعلیهم الصلوة والسلام است پس شرف گردانید حق تعالی
آنها را بزیارت سرور کائنات در آن محل - تا آنکه همه نماز
گزارند باقیه اسید الکوثرین صلی الله علیه وسلم و اقرار کردند
بر فضیلت و شرف حضرت صلی الله علیه وسلم - چون هر طرح
تکمیل فضیلت گردید پس بمقام و قرب و اختصاص طلب
فرمود * سیوم آنکه - از رفتن بیت المقدس مشاهده احوال و صفات
آنجا گردید و کفایت که همیشه آمد و رفت بلاد شام برای تجارت
میداشتند برای آنها معجزه عظیم شد که مباح شب معراج حقایق
آنجا از حدود عالم صلی الله علیه وسلم هر سینه حضرت مطابق وافع
خبر دادند آنها شدند و حیران ماندند * نکته - اگر گویند که حق تعالی
فرمود باریکناحوله و لغفرمود باریکنا علیه از باریکنا فیه بادمعت آنکه برکت در
نفس مسجد اقصی بیشتر است از خارج و حول آن * جواب
اگر مراد برکت دنیوی است یعنی آنها جاریه و اشجار شمره
تا آن خارج مسجد است نه در نفس مسجد - و اگر برکت دینی
مقصود است تا فایده تعمیم داشتند پیدا کرد که مراد از حول تمام
ارض شام و مقارب اوست و آن اوسع است از مقدار

بیت المقدس - و چون مبارک فرمود بشعاع و توابع را بس
برکت و شرف امان شئی بطریق اولی از آن مفهوم بخلاف
الکس قال الله تعالى واذ قال موسى لقومه یا قوم ادخلوا الارض
المقدسة مراد از آن همین بیت المقدس است - و درین آیه
شریف و نجیناه و لوطا الی الارض التي بارکنا فیها للعالمین
برایتنی همین بیت المقدس مقصود است قال الله تعالى ان الارض
یرثها عبادي الصالحون آخر قول اینست که آن زمین همین
بیت المقدس است قال الله تعالی و آویناهما الی ربوة ذات قرار
و معین ابن عباس رضی الله عنه میفرماید که آن بیت المقدس است
و همچنین قتاده و کعب رضی الله عنهما تفسیر کرده اند - و کعب رضی الله
عنه بران دلیلی مذکور میفرماید که ربوة بمعنی مکان مرتفع از زمین آمده
و بیت المقدس بحجره میل قریب است از آسمان نسبت
زمین تمام دنیا - و گفته اند در معنی این آیه و استمع یوم یزادی المناد
من مکان قریب که منادی امرا فیل علیه السلام است که ندا حشر خواهد
داد از صخره بیت المقدس قال الله تعالی فی بیوت اذن الله ان ترفع
و یذکر فیها اسمع مراد از آن بقول بیت المقدس است و قوله تعالی
و واعدناکم جانب الطور الا یمن مراد از آن همین بیت المقدس
است بقوله تعالی و لقد بونا بنی اسرائیل مواء صدق اشاره بطرف
همین بیت المقدس است و قوله تعالی اذ ناداه ربه بالواد المقدس
طوی مراد همین بیت المقدس است * بدانکه سفر بسته مقام

عبادت عظمی است و جمیع حرکات و سکینات و هر یک قدم در آن داخل طاعت است یکی مسجد بیعت الحرام در مکه - دیگری مسجد النبی صلی الله علیه وسلم در مدینه - سیوم مسجد الاقصی * قال النبی صلی الله علیه وسلم لا تشد الرجال الا الى ثلثة مساجد المسجد الحرام و مسجد الرسول [صلی الله علیه وسلم] و المسجد الاقصی روایت است از انس ابن مالک رضی الله عنه عن انی بیت المقدس غفرله و رفع له اربع درجات هر که بیاید در بیت المقدس عفو کرده شود گناهای او و مانند کرده شود زنده او چهار در - روایت است از کعب رضی الله عنه ان الله عز وجل بابان مفتوحان فی السماء الدنيا یجداء بیت المقدس ینزل کل لیلۃ منهما سبعون الف ملک یتستغفرون لمن اتی بیت المقدس حق تعالی را دو دروازه مفتوح اند در سما، زیرین بمقابله بیت المقدس که نازل میشوند هر شب از هر دو در هفتاد هزار فرشته و آنها طلب مغفرت میکنند برای کی که در بیت المقدس آید - و روایت است از انس ابن مالک رضی الله عنه - عن رسول الله صلی الله علیه وسلم من زار عالما فکانما زار بیت المقدس و من زار بیت المقدس حرم الله جسده علی النار هر که زیارت کند عالم را گویا که زیارت کرد بیت المقدس را و هر که زیارت بیت المقدس کند حرام نمایند حق تعالی جسم او را بر دوزخ - روایت است از کعب رضی الله عنه عن انی بیت المقدس لحاجة لا یستل الله غیرها اعطاء الله ایاها هر که آید

در بیت المقدس برای حاجتیکه سوال نمیکند از حق تعالی خبر آن حاجت بس بر می آرد حق تعالی حاجت او * روايت میکند عبد الله بن عمرو و ابن عباس رضي الله عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول صلوة في بيت المقدس خير من الف صلوة فيما سواه الا المسجد الحرام و مسجدى هذا گفتم که شنیدم رسول الله صلى الله عليه وسلم را که میفرمود یک نماز در بیت المقدس بهتر است از هزار نماز در غیر آن موائى مسجد الحرام و مسجد ما * و ابو دردا رضي الله عنه روايت میکند از رسول الله صلى الله عليه وسلم قال فضل الصلوة في المسجد الحرام على غيره مائة الف صلوة وفي مسجدى الف صلوة و في مسجد بيت المقدس خمسة مائة صلوة فببیت یک نماز در مسجد حرام نسبت دیگر تمام یک لک است و در مسجد ما هزار نماز و در مسجد بیت المقدس با نصد نماز * و در روايت دیگر آمده گفتم که صلوة في المسجد الاقصی بعشرون الف صلوة یک نماز در مسجد الاقصی ثواب است هزار نماز دارد * روايت است از مكحول رضي الله عنه من خرج الى بيت المقدس لغير حاجة الا الصلوة فصلّى خمسة صلوة صباحا و ظهرا و عصرًا و مغربًا و عشاء اخرج من خطبته كيوم ولدته امه هر که برود بنظر بیت المقدس و کاری ندارد سیوائى نماز و ادا کند نماز پنج وقت یعنی صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء بس می بر آید از گناهان خود گویا که آن روز مادرش ادا زانند * روايت است از مقاتل

رضی الله عنه من صام يوما فی بیت المقدس کان له برائة من النار
 هر که روزه دارد یکروز در بیت المقدس حاصل شود او را برائت از دوزخ *
 و روایت کرده اند از دارمی قال - الیاس والخضر یصومان فی بیت
 المقدس ویوافیان الموسم فی کل عام الیاس وخضر عایهما السلام روزه
 میدارند در بیت المقدس و می آیند بموسم برای حج هر سال * روایت
 است از ام سلمه رضی الله عنها قالت قال رسول الله صلی الله علیه و سلم
 من اهل بحج او عمرة من المسجد الاقصی الی المسجد الحرام
 غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر و وجبت له الجنة فرمود رسول الله
 صلی الله علیه و سلم هر که احرام حج یا عمره بندد از مسجد اقصی بطرف
 مسجد الحرام آید زنده شود گناهای پیشین و پنین او واجب گردد
 برای او جنت - ذکر کرد این حدیث را دار قطنی صاحب انس الجلیل
 ذکر کرده که سیدنا عمر خطاب رضی الله عنه و سیدنا عبد الله ابن عمر
 رضی الله عنهما از بیت المقدس احرام بستند * روایت است از
 ابن عمر رضی الله عنهما عن رسول الله صلی الله علیه و سلم من احرم من
 بیت المقدس قدم مكة مغفورا از رسول الله صلی الله علیه و سلم هر که
 احرام بندد از بیت المقدس داخل شود در مکه مغفور * و در روایت
 دیگر از ابن عمر رضی الله عنه عن رسول الله صلی الله علیه و سلم من احرم
 معتمرا فی شهر رمضان من بیت المقدس عدلت عشر غزوات
 مع رسول الله صلی الله علیه و سلم هر که احرام عمره بندد در شهر
 رمضان از بیت المقدس گویا که برابر می شود ده جهاد را بمعیت

رسول الله صلى الله عليه وسلم * روایت است از جابر رضی الله عنه -
 ان رجلا قال يا رسول الله اي الخاق اول دخولا في الجنة - قال - الانبياء -
 قال يا نبي الله ثم من - قال - الشهداء - قال يا نبي الله ثم من - قال
 مؤمنوا ببیت المقدس - قال يا نبي الله ثم من - قال مؤمنوا بمسجدي -
 قال يا نبي الله ثم من - قال - سایر المومنین علی قدر اعمالهم شخصی
 پرسید یا رسول الله صلى الله عليه وسلم - اول خاق کدام است که داخل
 خواهد شد در جنت - فرمود که انبیاء عالمهم السلام - گفت یا نبی الله
 بعد از ان کدام - فرمود شهدا - گفت یا نبی الله بعد از ان کدام - فرمود
 مؤمنین بیت المقدس - گفت یا نبی الله بعد از ان کدام - فرمود مؤمنین
 مسجد ما گفت یا نبی الله بعد از ان کدام - فرمود سایر مومنین حسب
 اعمال خود * روایت است از حسن بصری رضی الله عنه من تصدق
 فی بیت المقدس بدرهم کن فدائه من النار و من تصدق برغیف
 کن کمن تصدق بملاء الارض ذهباً هر که صدقه کند در بیت المقدس
 یکدرهم قدییه او خواهد شد از دوزخ و هر که صدقه دهد یک نان گویا که
 صدقه داد ظالم برومی زمین گسترده * روایت است از سیدنا علی بن
 ابی طالب رضی الله عنه - عن رسول الله صلى الله عليه وسلم هین البقاع
 بیت المقدس - و سید الصخور صخر بیت المقدس از رسول خدا صلی الله
 علیه وسلم که سردار زمین بیت المقدس است و سردار
 صخره صخره بیت المقدس * مخفی مباد که ذکر صنخره شریفه
 مرتماقب بالنقصان می آید * روایت است از کعب رضی الله عنه

من مات فی بیت المقدس فقد جاز الصراط وان المقبره فی بیت المقدس
لا یعذب هر که بمیرد در بیت المقدس. بی تمان گذر خواهد کرد
باصراط را و مدفون بیت المقدس عذاب نکرده خواهد شد روایت
است از وهب بن منبه رضى الله عنه من دفن فی بیت المقدس
فقد نجی من فتنه القبر و ضيقه هر که دفن کرد میشود در بیت المقدس
پس نجات یافت از فتنه و تنگی گور * روایت است از خلیل
ابن دحلج قال سمعت الحسن رضى الله عنه يقول من دفن فی بیت المقدس
فی زيتون الملة فکانما دفن فی السماء الدنيا گفت که شنیدم از حسن رضى
الله عنه که میفرمود هر که دفن کرده خواهد شد در بیت المقدس
در زيتون الملة گویا که دفن کرده شد در سما دنیا * روایت است
از وهب بن منبه رضى الله عنه - قال اهل بیت المقدس جيران الله و حق
على الله تعالى ان لا یعذب جيرانه ساکن بیت المقدس جيران حق تعالی
است و لازم گرفت حق تعالی بر خود که عذاب نکند جيران خود را *

فصل دهم

در وجه تسمیه و تعداد اسماء مسجد اقصی *

سمی الاقصی لبعده المسافة بینه و بین المسجد الحرام و قيل كان هذا ابعده
مسجد عن اهل مكة فی الارض يعظم بالزيارة - و قيل لبعده عن الاقدار
و الخبايا * و ربما انه سمی الاقصی لانه وسط الدنيا لا یزید شیئاً ولا ینقص -
هكذا ذکر صاحب انص الجلیل فی تار القدس و الخلیل *

اسماء بیت المقدس

ابواباً بمنزله مکسوره و یا تختانیه ساکنه و لام مکسوره بر وزن
کبریا - بیت المقدس بفتح میم و سکون قاف بمعنی مکان پاک
از گناهان - بیت المقدس بضم میم و فتح قاف و دال مشدده
بیت المقدس بضم میم و سکون قاف - شلم بشین معجزه و
تشدید لام - سلم بشین مهمله و کسر لام - بود شلم لفظ عبرانی است
بمعنی بیت السلام * یهون بکسر صاد مهمله و یقال لمسجد بیت المقدس
زیتون و لا یقال له الحرم مکذا فی الانس الجلیل * و درین زمان در
اکثر بلاد و مقام زبان زد هر خاص و عام به قدس است از کثرت
استعمال میم را یک قلم حرف کرده اند *

فصل یازدهم

در احوال عمارت بیت المقدس و طول و عرض آن *

اول ملایکه این را بنا کردند بامر الله تعالی و در حدیث شریف
آمده است از اباذر الغفای رضی الله عنه که پرسیدم از رسول
مقبول صلی الله علیه و سلم که کدام مسجد در دنیا اول موضوع شد
فرمود رسول مقبول صلی الله علیه و سلم مسجد الحرام باز پرسیدم که
بعد از آن کدام مسجد فرمود مسجد اقصی باز پرسیدم چه قدر فرق
زمانه در میان هر دو مسجد است - فرمود چهل سال جائیکه
وقت نماز یابی ادا کن که بزرگی دارا نیست * و از طاهای قدیم بعضی بانی

مسجد اقصی حضرت آدم علیه السلام را و بعضی سام بن نوح علیه السلام را و بعضی یعقوب بن اسحاق علیهما السلام را و بعد این همه حضرت داود و سلیمان علیهما السلام را گویند - پس مطابقت درین اقوال بدین شرط میشود که این همه بزرگوار مجرد بنیاد قدیم اند مره بعد آنری نه موسس - یعنی اولاً ملایکه بنیانها ند بعد از آن بمقتضای [ع] * هر که آمد عمراتی نو ساخت *

این بزرگوار با محمد و ترمیمش پرداختند - و حضرت داود و سلیمان علیهما السلام آنرا محال عالییشان و دار السلطنت ساخت * در روایت بنیاد سام ابن نوح علیه السلام قونی خاص دارد که او قبض کرده بود مدینه المکرمه را و ملک آنجا بود و عمارت بیت المقدس در عهد سلطین سابق یعنی تحت دهر و کورس ملک فارس و طهطوس و غیره گاهی آباد و گاهی خراب شده - بعضی از اینان تعمیرش پرداختند و بعضی در ترمیمش انداختند * در روایت آمده از کعب رضي الله عنه که بنا کرد سلیمان علیه السلام بیت المقدس را بر بنیاد قدیم - چنانکه بنیاد کرد ابراهیم علیه السلام کعبه را بر بنیاد قدیم *

طول و عرض مسجد اقصی مندرجه کتاب انس الجلیل
طول از سور قبیلی قریب محراب داود علیه السلام تا صدر
رواق شمالی قریب باب اسباط [۶۶۰] ششصد و شصت
در عم بدراع الثمن - عرض از سور شرقی تا صدر رواق غربی
[۴۰۶] چهارصد و شش در عم مندرجه - لوح منگی بر بالای

نزدبان متصل باب الاطم - لیکن باعث استداد زمان مسموح -
 طول [۷۵۴] هفت صد و پنجاه و چهار در عم - عرض [۴۵۵]
 چهار صد و پنجاه و پنج در عم - پیمایشی راقم الحروف ابو البرکات هشی
 الاقدام طولاً جنوباً و شمالاً سواءاً سائبان ششصد و هفت قدم
 عرض شرقاً و غرباً چهار صد و چهل قدم *

نام ابواب مسجد اقصی

باب الاسماط - باب الحطه - باب الشرف وهو باب الاثم - باب الغوانمه -
 باب الشیخ البصري - باب المطهره - باب القطا بین - باب السلام - باب السلسله -
 باب المغار به - باب الحدود *

اولاً وقت بناء مسجد نه دروازه بود اکنون باب السلام و باب
 المطهره زاید کرده اند * الغرض وسعت مسجد اقصی چیزی
 زاید از دو چند حرم که منظره تصور باید کرد اجنه مسجد را مانند
 المکنه قلعه در ته زمین ساخته اند و سطح مسجد را با ارض بلند
 مساوی داشته اند - قبله در بیت المقدس جانب جنوب
 است چون جهت قبله روند و از نزدبان فرود آیند شوکت عمارت
 سابقه در یابند - و همین است درجه تختانی یعنی بناء سلیمانی و
 اکنون این درجه یغیر آباد و افاده و بجای شکسته و رخته از صوم
 و صاواة محض سطل و باعث تیرگی متقل - مزوران کلید
 دروازه بیارند و زیر آن تبرکات و تمینا بتکلف در بعض محال داخل
 شوند و در بعض محراب تختانی که نورانی است چند رکعت

نوافل بخوانند و بس - و همین درجه تختانی است که آنرا اقصاء قدیم گویند - اقصاء جدید مراد از درجه فوقانی است که بعد از بعثت نبی کریم صلی الله علیه و سلم از دست ابن اُست مرحوم یکی بعد دیگری صرف بجانب قنیه یعنی جنوب بر همان اساس و بنیان افزوده شد - تا در جهت جنوب مسجد و منزل گردید اکنون صلاه جمعه در همین درجه فوقانی و صلاه پنجگانه در قبه الصخره و حوالی آن خوانند * و منبر و محراب کبیر در درجه فوقانی است عوام در عرف درجه فوقانی را مسجد اقصی اطلاق کنند و حالانکه اقصی تمام مسجد است درجه فوقانی باشد یا تختانی صحن باشد یا سائبان صخره باشد یا بیدن - و بدین سبب صاحب الاوس الجلیل می نگارد و فی حقیقه الحال ان الاقصی هو اهم لجميع المساجد ما دار علیه السور و ذکر قنیه طولاً و عرضاً * و به غیر آبادی درجه تختانی بر ضعف دین و عجز مسلمانین چه توان گفت - اهل اسلام درین بلد اقل القلیل نصاری و یهود در هر گذرگاه و سبیل - جز صد و پنجاه سپاهان ترک از عسکر سلطانی دیگر کسی از اهل بلد در اوقات خمیه نه آید - و بس ازین قدر درین مسجد چه می کشاید * مسموع شد که بعضی اعزّه اینجا بران جناب سلطان عهد المجید خان علیه الرحمة درین خصوص عرض داشت کردند و تا استنبول رفتند - حکم شد که بعد تمام حرم مدینه طیبه فکر کرده خواهد شد با اتفاق

و قیامت انعام حرم مدینه طایفه و اجل سلطان علیه الرحمة برابر اذکار -
افسوس که حیات مستعمار سلطان علیه الرحمة وفا نکرد و در نه
دوین مخصوص بمستی عالمی میداشت که صدای اینیبر منبر که را
در ملک عرب عمارت نو ساخت * سلطان عبد العزیز خان دام
ملکه که از بدو جلوس در انتظام سلطنت مصر دست اند
یده باید که تاکی توجه خاص صرف این مقام می فرماید *

فصل دوازدهم

در حقیقت صخره شریف معروف به تخت رب العالمین و

فضایل آن با حادیت و غیره *

صخره شریف سنگی است نهایت گران نه در زمین و نه
آسمان متعلق در میان هردو مکان - در وسط مسجد اقصی
با کمال تمکن و شان - فضایل آن بیرون از بیان - روایت
است اند این عباس رضی الله عنه قال صخره بیع المقدس من صخور
الجنة صخره بیت المقدس از صخور جنت است * روایت
است از کعب رضی الله عنه ان الکعبة بازاء البيت الذي تحته
الملئكة لو وقعت منه احجار وقعت على احجار البيت - و ان الجنة هي
السماء الرابعة بميزان بيعة المقدس لو وقع منها حجر وقع على الصخرة -
ولذلك سميت دار سلم ودعيت الجنة دار السلام كعبه سما ذی بیع
المعمور است که آن را چینی کنند ملائکه - اگر پیغمبر از بیت المعمور

سنانها بر سه در سنگهای کعبه - و جنت بر آسمان چهارم بمقابله بیت المقدس است اگر بیفتد صبحی از جنت بر سه در صخره و آبدین سبب صخره را دار علم گویند و جنت را دار السلام * روایت است از وهب رضي الله عنه قال يقول الله لصخرة بيت المقدس فيك جنتي وناري و فيك اجري وعقابي ثم طوبى لمن زارك خطاب فرود حق تعالی بطرف صخره بیت المقدس که در سمت جنت و دوزخ من و در سمت اجر من و عقاب من پس بهتری است برای آنکه ترا زیارت کند * روایت است از ابی هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم انهاركها والسحاب والرياح من تحت صخرة بيت المقدس جهاه انهار و ابر و هوا از زیر صخره بیت المقدس است * روایت است از نوفل قال الصخرة يخرج من تحتها اربعة انهار من الجنة سيمان و جيمان والغرات والذيل از زیر صخره چهار نهر جاری اند از انهار جنت سيمان ، و جيمان ، و فرات ، و نيل * روایت است از كعب رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم - يقول الله لصخرة بيت المقدس انت عرشي الادنى ومن تحتك بسط الارض وفوقك رفعت السماء وتحتك جعلت كل ماء عذب يطلع من روض الجبل از بطون هر ا صلی الله علیه و سلم که حق تعالی خطاب می فرماید بموی صخره بیت المقدس که تو عرش زمین من هستی و از زیر تو گسترده زمین را و از فوق تو مانند کوه آسمان را و از زیر تو نهادم جهاه آب شیرین که بر جهان و کوه بارانست - از اینجا است که در عرفت صخره و تخت رب العالمین

گویند * روایت است از ابی ادریس رضی الله عنه قال یحول الله
صخرة بیت المقدس مرحاة بیضاء كعرض السماء والارض ثم يضع علیها عرشه
و یضع میزانه ویقعی بین عباده ویسمون منها الى الجنة و النار خواهد گردانید
حق تعالی صخره بیت المقدس را بر جان سفید برابر عرض آسمان
و زمین پس خواهد نهاد بران عرش خود را و خواهد نهاد میزان را و
عدالت خواهد کرد در میان بندگان خود - و از همنجاراه جنت و دوزخ خواهند
گرفت و از اینجا ثابت است قیام قیامت * درین مقام روایت است
از کعب رضی الله عنه - احب الشام الى الله بیت المقدس و احب بیت المقدس
الى الله الصخرة و الطور حق تعالی را محبوب تر در ملک شام
بیت المقدس است و محبوب تر در میان بیت المقدس
حق تعالی را صخره و طور است * بدانکه در عهد اکثر انبیاء
پیشین علیهم السلام قبله نماز بطرف صخره بیت المقدس بود
و همین طرف نماز بخواندند چنانچه سرور کائنات صلی الله علیه وسلم نیز
تا شانزده ماه همین طرف نماز ادا فرمود و تنها میداشت و باو بار بسوی
آسمان می نگریدست که حکم تحویل قبله بجانب کعبه نافذ شود -
حق تعالی آرزوی محبوب خود بر آورد و در عین نماز این آیه نازل فرمود
فول و جئت شطر المسجد الحرام - از امروز قبله بطرف بیت الله گردید *
روایت کرد ابوالمعالی از ابن شهاب الزهري رضی الله عنه لم یبعث الله
مبعوثا الا جعل قبلته صخرة بیت المقدس و اقله صلی الله
علیه و سلم و بعد از آنکه عشر شهادت برانگیخت حق تعالی از انبیا

موقوفه آدم علیه السلام بطرف دنیا کرام نبی را گمراشته گردانید و قبایع او صخره
 بیت المقدس را و هراینه نماز گزاران بطرف آن سید الانبیاء
 ما صلی الله علیه وسلم نشانزده ماه * بدانکه صخره در وسط مسجد اقصی
 بر تابه بست که کعبه در صحن مسجد الحرام واقع و از بالای صحن
 مسجد ارتفاع پنجاه و یکدفع دارد و آن صحن از صحن زیرین هفت گز
 بلند است پس ارتفاع صخره از صحن زیرین پنجاه و هشت
 دفعه گردید و دایره صخره از باطن دوهصد و بست و چهار در عم و از
 خارج دوهصد و چهل و هشت * صاحب انس الخلیل ذکر کرده است
 از ابوبکر ابن عربی قدس سره که او داخل شده بود تحت الصخره در
 زمانیکه هیچ اتصال نمی داشت از زمین - و نقل کرده است از او که
 روزی زنی حامله داخل شد زیر صخره هرگاه در وسط آن رسید و
 سنگی کلان متعلق دید چند آن خوف بر و ظامی شد که ساقط شد
 حمل وی - پس از آن روز گرد صخره دیوار مستطیل بنا کردند و
 مخفی نمودند آن امر را از چشم مردم * راقم الحروف عرض میدارد
 که اگر بغور لحاظ کنند آن امر هنوز مخفی نیست و متعلق بودن صخره
 بر ریخت بادنی تا ابد ظاهر - چرا که دیوار خفیف و ضعیف که از اندرون
 گردد صخره است چگونه این بار گران را خواهد برداشت دیوار پرده
 و حجابی است در نظر سهیل بنیان فالصخرة معلقة لا یسکها الا الذی
 یمسک السماء ان یقع علی الارض * مخفی میباشد که زیر صخره بر ریخت
 میروند و اینجمله افت نام استناد نماز می کنند و بدعا و استغفار می پردازند

چنانچه تفصیل مقامات منبر که زیر صخره نیز همراه دیگر مقامات داخل مسجد اقصی در فصل چهاردهم خواهد آمد *

فصل سیزدهم

در بناء قبه بر صخره شریف و بناء مسجد فوقانی *

هرگاه حاضر شهر عبد الملك بن مروان در بیت المقدس قصد بناء در جبهه ثانی بکاسب قبه و بناء قبه بر صخره شریف نمود و مکاتب استشاره در جمیع بلاد و امصار فرستاد چون همه باسند کردند حکم فرمود تا خراج هفت ساله مصر جمع آوردند - و مامور گردانید برای اتمام آن ابو مقلام رجا بن حیوایه بن جردل را که از اعلام علما و جواهر امور بن عبد العزیز رضی الله عنه بود - و برای تأیید آن برگماشت یزید بن سلام مولای خو را اینان جمیع اموال را در بناء قبه و مسجد فوقانی صرف کردند و وجه ازان بکار خویش نیادوروند * و مسجد فوقانی بکاسب قبه از دیوار یکم قریب همد عیسی علیه السلام است تا جامع المغاربه که اکنون حاصص المالکی گویند تیار کردند - و قبه صخره شریف با کمال زیب و زینت آراستند بس رجا و یزید یعنی بناء قبه و مسجد واپس کردند نزد عبد الملك بن مروان یک لکمه دینار که باقی مانده بود از خراج عبد الملك آن را در انعام با آنها بخشید اینان راضی نشدند و عرض داشتند که صرف این بقعه هم دو امر خیر بهتر است - بالاخر حسب اجازت عبد الملك در همان قبه و مسجد صرف کردند و مطابق مذهب

نموده و بسیار تکلفات در آن افزوده اند * غرض این عمارت قبة الصخره
و مسجد فوقانی بر همان بناء سلیمانی اولاً از دست عبد الملک در سال
٧٣ هفتاد و سه بمحرمی طی یافت - صاحب انس الجلیل تعداد
استخوانات و بغیره نسبت تمامی مسجد حسب تفصیل ذیل مینگارد *
عمود رخام ششصد - سلاسل و قنادیل [٢١٥] چهار صد و پانزده -
در خاص مسجد [٢٣٠] دو صد و سی - در قبة الصخره [١٨٥]
یک صد و هشتاد و پنج - قنادیل [٥٠٠] پنجاه و یک سرچ کله فی لیلة
الجمعة و لیلة نصف رجب و شعبان و رمضان و لیلتی العیدین * قببات
سواي قبة الصخره [١٥] پانزده * خدام مسجد [٣٠٠] سه صد
نفر این همه اهتمام قنادیل و بغیره در همان زمانه بود که صاحب
انس الجلیل در کتاب خود نوشته *

تعداد امطوانات مسجد فوقانی بناء عبد الملک از رخام ملون
[٣٣] سی و سه ستون - از احجار غالیة الثمن و دوازده ستون
قریب باب شرفی محراب ذکر یا علیه السلام سبزه
ستون طول مسجد در بر فوقانی سوامی جوف محراب
و در آن [١٠٠] یک صد در عم - و عرض هفتاد و هفت در عم - و محبوب کبیر
که در صدر این مسجد قریب منبر واقع است همانجا زمان سابق
حضرت داؤد علیه السلام نماز می خواند * و چون فتح کرد بیت المقدس
را امین نامه عمر خطاب رضی الله عنه پس بر روز فتح انبا عالمین داؤد علیه
السلام در همان مقام نماز خواند از آن روز به محراب عمر مشهور شد -

ورنه در اصل آن متنام سيدنا داؤد عليه السلام است - درين محال و تميز
در محراب داؤد عليه السلام که زیر صخره است [سورة ص خواندن
نواب و اجر عظيم دارد که در آن سوره ذکر اوست عليه السلام -
و اين سنت عمر خطاب رضي الله عنه است * و اندرون اين مسجد
بجانب مشرق مجموعي و مجلسي است نامش جامع عمر بسبب
آنکه ساخت آنرا عمر خطاب رضي الله عنه بزمان فتح ببيت المقدس
بعده مسجد فوقاني بران بنا کردند * و هرگاه قبه بر صخره بنا کردند
در حوالی قبه صحن مسجد را مرتفع کردند - طول آن دو صد و سی
و پنج در عم و عرض یک صد و سی و نه در عم * و بعد عبد الملک ملک
صلاح الدين و قلاوون و غيره در تعمید و ترميم قبه و غيره پرداخت
چنانچه از کتابه مرقوم ذیل ظاهر فقط

کتابه محراب مسجد فوقانی

بسم الله الرحمن الرحيم امر بتجديد هذه المحراب المقدس وهذا المسجد
الانصبي الذي هو على التقوى موسى عبد الله و وليه يوسف ابن ايوب
ابو المظفر الملك الناصر صلاح الدين عند ما فتحه الله على يديه في
شهر سنه ۵۸۳ ثلاث وثمانين و خمسمائة و هو يسأل الله ان [عبارت
تا بعد خوانده نمی شود]

کتابه در گنبد مسجد فوقانی

بسم الله الرحمن الرحيم جدد هذه القبة المباركة في ايام مولينا السلطان الملك
الناصر العالم العادل المجاهد المرابط المشاهر الميريد المنصور قاهر الخوارج والمتهمد

محیی العدل فی العالمین سلطان الاسلام محمد بن سلطان الشہید الملک المنصور
قلاؤن الصالحی نغمہ اللہ برحمتہ فی شہر ہفتہ ثمان وعشرین و سبع مایۃ *
کتابہ در گنبد صخرہ مقدسہ

بسم اللہ الرحمن الرحیم امر بتجدید نذہب ہذہ القبۃ الشریفۃ الملک
الناصر ناصر الدین والدنیا یوسف بن ابوب سلطان الاسلام محمد ابن
السلطان الشہید الملک المنصور قلاؤن نغمہ اللہ برحمتہ و ذلک فی شہر
سنتہ سبع مایۃ و ثمانیۃ و عشرین *

از معمولات است کہ بتاریخ نهم ذی الحجہ کہ روز جمع و دتوت
عرفاتست صخرہ شریف را میروند و آن خاک را نبرک
می کنند - شکر خدا کہ عابر را نیز قدر می خاک رویدہ آن
روز از مزور بدست آید * بدانکہ برای دخول و خروج زیر صخرہ
بابی ساختہ اند پس ہر گاہ زیر صخرہ روند یا در مسجد داخل شوند
تا مستحب است کہ این دعا صلیمان علیہ السلام بخوانند اللہم
بنورک اہتدیت و بفضلک استغیث و بنعمتک اصمحت و امصیت ذنوبی
بہن یدیک استغفرک و اتوب الیک یا احسان یا منان *

فصل چہاردم

در تفصیل مقامات مبارکہ داخل مسجد اقصی و صخرہ شریف

مع وجہ تسمیہ ہر یکی بقدر دریاخت راقم الحرف *

باب الحطہ بابی است از ابواب مسجد اقصی در آیتہ شریفہ

و اذ قلنا ادخلوا هذه القرية فمما اخرجناكم منها اخرها يخرج من بين ايديهم وادخلوا الباب سجدا وادخلوا حطة فنغفر لكم خطاياكم مراد از ازاره بتوای لا اله الا الله است چرا که کلمه توحید خط ذنوب میکند - حیث که بنی اسرائیل بجا آورمی حکم حق تعالی نکردند و داخل درین باب شدند و رزق خطایمان ایشان معاف می شد - مضافا در تفاسیر موجود * هر که دو رکعت نماز در باب حطه بخواند و استغفار کند و توبه از گناهان نماید حاصل کند ثواب بعد از آنقدر قوم بنی اسرائیل که آنها را حکم شده بود ادخلوا الباب سجدا *

قبۃ سیدنا سلیمان علیه السلام چون سلیمان علیه السلام از بناء مسجد فراغت فرموده قربان نمود درین محمل و ششمه نار از آسمان آمد و قربان را ربود - و همین بود دلیل قبولیت عمل در حمد انبیاء پیشین علیهم السلام *

قبۃ الارواح گویند که اجتماع ارواح طیبه درین محمل می شود و نیز در بصر الارواح زیر صخره *

قبۃ الخضر ابن مقام خضر علیه السلام است بعضی شنیده اند آواز نماز و دعا خضر علیه السلام درین محمل - و از تقریر صاحب انس الجیل مستفاد است که مقام خضر قبۃ بنج بنج است که ذکرش می آید *

قبۃ بنج بنج چون بخت نصر بیت المقدس تسلط آورد از بی دینی

صنجره را یک جانب پاره کرد و بیامی تخت خود برده روز نگذشت
بود که آن پاره بر هوا باز آمد و درین محل نزل فرمود - مردمان قرآن
و شادان شدند و بر زبان آوردند که حج بیج و این کلمه تهنیت
و سرور است در زبان عرب *

قبة المعراج مشهور است که دعاء در اینجا مستجاب است -
باید که درین مقام در نماز و دعاء استغفار و حمد بلیغ بکار برد - امین
قبر موجه حال را ابو عمر عثمان بن علی بن عبد الله زنجبیلی
رسولی بیت المقدس محمد کرد در سنه [۵۹۷] پانصد و نود
و هفت هجری *

قبة النبی صلی الله علیه و سلم روایت است از کعب رضی الله عنه
که سرور کاینات صلی الله علیه و سلم در شب معراج چون به
بیت المقدس رسید براق را در موقوفه موقوف انبیاء
یشین علیه السلام بود مربوط ساخت - و داخل شد از
باب الانبیاء و جبرئیل علیه السلام پیش می رفت تا آنکه قریب
صنجره رسید پس آذان داد جبرئیل علیه السلام فرود آمدند
لما لمک از آسمان و برانگیخت حق تعالی از قدرت کلامه خویش
جمله انبیاء یشین را و صف نماز آراسته شد و تکبیر گفت
جبرئیل علیه السلام و امامت فرمود سید العرب و العجم نبی الحرمین
امام القبلتین ابو القاسم سیدنا محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم پس
عاز خواند یا موقوف لما لمک و مرسلین - پس داشته شد برای

حضرت صلی الله علیه وسلم نزد بانی تقرب و از ان نزدیکان عروج
فرمود سید الکونین صلی الله علیه وسلم و سید نابهریای علیه السلام
بوسی آسمان * باید دانست که آن همین مقام است که به
قبه النبی صلی الله علیه وسلم نامزد است - و این مقام در سرعت
اجابت قادر بر حاجت دینی باشد یا دنیوی مشهور است *
زائران را درین مقام مزید حمد در نماز و استغفار و دعا هر قدر
ممکن باشد باید کرد - غالباً باعث قرب و اتصال این مقام
قبه متذکره بالا را نیت المعراج گفته باشند و نه محل ملاوات و معراج
همین قبه النبی صلی الله علیه وسلم است - و بهتر است که در
قبه المعراج و قبه النبی صلی الله علیه وسلم این دُعا بخواند اللهم
اقسم لنا من خشيتك ما تعول به ديننا و بين معاصيك و من طاعتك
ما تبلغنا به جنتك و من اليقين ما تبون به علمنا مصائب الدنيا و الآخرة
اللهم متعنا ببصارتنا و قوتنا ما احببتنا و جعله الوارث منا و اجعل نازنا
على من ظلمنا و انصرنا على من اذانا * و لا تجعل مصيبتنا في الدنيا
و لا تجعل الدنيا اكبر همها و لا مبلغ علمنا و لا تسلط علينا بدروبنا من
لا يرحمنا *

قبه السلسله این بود محکم می دانای داود علیه السلام و درین محل زنجیری
بود از نور متاق از آسمان تا زمین وقت انفصال خصوصاً
بنی اسرائیل که مرتکب شد و شهادت زور و فیه بودند حضرت
داود علیه السلام حکم میفرمود که این زنجیر را از دست بگیرند - کسیکه

بود دعوی خود صادق می بود فوراً میگرفت و کاذب را دست بان
 نمیرسید زنجیر خود بخود مرتفع میشد * اتفاقاً کسی صد دینار
 پیش مردی یهودی امانت نهاد بعد چند روز مالک چون دینار
 طلب کرد یهودی ادای آن بیان کرد آخر متامله نزد داؤد علیه السلام
 رفت - غرض بعد التي و اللتبیا چون نوبت سلسله رسید
 یهودی دینار را در عصای مجوف مخفی داشته عصابه دست مالک
 دینار داد و قریب سلسله رفت و طاعت کرد که مال مالک آن
 رسانیده ام این بگفت و سلسله را بدست گرفت و پیش مالک
 دینار آمد و عصا خود باز ستاد و بدینخیله مال غیر غصب کرد بعد
 ازان مالک دینار پیش سلسله آمد و طاعت کرد مال خود نیافته ام
 و سلسله را نگرفت - چون کاذب هم سلسله را بخیله گرفت
 ازان روز باعث خبث و فتنه مردمان زنجیر مرتفع شد * والله در الشاعره *
 مضی الوحی و مات العلا * * وارتفع الجود مع السلسلا

و در شب معراج سرور کائنات صلی الله علیه و سلم حوران جنت در
 همین قبه السلسله مجتمع بودند * جامع المالکی این را جامع المغاربه
 نیز گویند سابقاً امام مذهب مالکی در اینجا نماز میخواند بعد مغاربه
 درین جامع می شدند * قبله اولاد میدنا هارون علیه السلام گویند که
 این دو برادر بودند و خدمت سراج مسجد اقصی میداشتند و
 چش ' بر از روغن و نوری از آسمان بوقت معین نازل میشد
 آنها ازان زینت و ازان نور فنادهان مسجد می افروختند - روزی

هر دو برادر غایب بودند و آن نور بوقت معین رسید و ایشانرا
 ندید و موعود کرد بر آسمان بس از آن آمد در مسجد برادر اکبر
 فرمود که امروز توقف در مسجد گردید خوف میکنم از عتاب
 باری بالاخر ازین نار دنیا قدمیها افروخته شد. بعد ساعتی نار آسمانی
 برق دار با کمال هیبت و جلالت آمد و اینها را بسوخت. بعد وقوع
 این واقع نبی آن زمان بحضرت حق تعالی عرض کرد یارب
 احرق ولدی هارون و قد علمت مکانها پس وحی آمد مکن
 اعل بلایائی اذا عصونی فکیف باعدائی * ای یاران هوشمند
 بدار باشید و مغرور نشوید این درگاه نکره نواز است نکره
 گهر هم هست غرض همانجا آن بزرگواران مدفون شدند و پاداش
 تقصیر ساعتی در دنیا یافتند و در خلد برین شتافتند *

واضح باد که مسجد بیت المقدس طاعتی عظیم است
 و اکنون معمول است که زائران شمع و زیارت بقدر استطاعت
 نذر مسجد میکنند و برین روایتی است از ام المؤمنین سمیه تنه
 میمونیه رضي الله عنها قالت قلت یا رسول الله افتتافی بهت المقدس قال ایتوه
 فصلوا فیه قالت کیف والزم اذ ذاک فیه قال فان لم تستطعوا بعثوا
 بزیت یسرج فی قنادیله * میمونیه رضي الله عنها میفرماید که
 هر سبدم از رسول الله صلی الله علیه و سلم که ارشاد فرمودند
 ما را از فضیلت بیت المقدس - فرمود بیایید در بیت المقدس
 و نماز خوانید آنجا عرض کرد چگونه یا رسول الله که در آنجا در میان مانع

۴ * فرمود اگر امکان نباشد بس بفرمایند چیزی روغن تا
افروخته شود در قنادیل بیت المقدس * عمود الخلیل چه عجب
که باعث تشریف داشتن آن مقام بکدام وقت منسوب بحضرت
ابراهیم علیه السلام گردید * عمود النبی صلی الله علیه و سلم و جی
معلوم نشد بین العمودین دو سطون ملصق است و قره در میان
آن قلیان - زایران چون میروند از آن قره نیمنا و تبر کا برمی آیند
و چشم معلوم نشد - گدینه که ولدا الحرام از آن قره نتواند براند
والله اعلم بالصواب * اثر قدم عیسی علیه السلام اندر محراب است -
و از معجزات آنحضرت باب البجنه * قبه الصخره چهار باب
است باب الشامی و هو باب الحنه * باب الشرقی * باب الغربی *
باب القبلی * روایت است از ابواهم ابن مهران که نخیله
زنی بود که صخره بیت المقدس را نمی گذاشت دایما ملازم صخره
بود روزی مردی از باب الشامی در گذاشت که بر او آثار سفر
هوید بود - نخیله معلوم کرد که خضر علیه السلام است و آن نماز
خواند دو رکعت یا چهار رکعت - نخیله دست در او منبش زد و
گفت اینجا چه کردی و کیسی ما را خبر ده فرمود که من مردی ام
یمنم اراده بیت المقدس کردم و میش و هب این منجمه
رضی الله عنه رفتم او ما را فرمود که چون در بیت المقدس
میش صخره رومی داخل شوی از باب شامی - بس چند قدم
جانب قبله نه تا بطرف یمین و یسار تو اسطوانات میش

آید - نظر کن در میان دو سطون که اینجا سنگی است سبیه
آن سنگ بر دروازه ایست از ابواب جنت - نماز بخوان
بر آن سنگ دعا خواه در آن محال که مستجاب است * واضح باد
که همین سنگ را بلا طقة الجنة مذکور شد حقیقت اد در حال
باب اشامی اثر قدم سیدنا ادریس علیه السلام از معجزات
آن حضرت است بر بالای صخره * و سیوای آن آثار قدم
ده انبیا بر بالای صخره در یک مقام موجود است * قبة الانبیا
اکثر انبیا علیهم السلام درین محال نماز خوانده اند * اثر اصابع ملائکه
بر بالای صخره است - گزیند که در شب معراج چون سرور عالم
صلی الله علیه وسلم از صخره عروج اطراف آسمان فرمود صخره
خواست که در رکاب سمات ماب سید الانبیا صلی الله علیه
وسلم بالا رود مایکه چنگل در صخره زدند * اثر قدم النبی صلی الله علیه
وسلم از معجزات است بر بالای صخره - و اگر چه این معجزه
در دیگر بلاد امصار هم مسموع شده و اکثری نقاش میکنند و
در بنام سیدنا ابراهیم علیه السلام نیز از نظر عاجز گذشت که ذکرش
متعاقب خواهد آمد - لیکن بر صخره اصبح و اسند است *
لسان الصخره در شب معراج صخره ازین محل نطق آمد و صلوات
و سلام فرستاد بر سید الکونین صلی الله علیه و سلم و همین جا
است دروازه که در آن تحت صخره داخل میشوند * محراب داؤد
علیه السلام محال صلوات آن حضرت زیر صخره محراب سلیمان

علیه السلام زیر صخره است آن حضرت اینجا نماز میخواند و عبادت میفرمود * اثر عمامه شفیع العذنبین صلی الله علیه وسلم در شب معراج حضرت صلی الله علیه وسلم زیر صخره رفت و برای نماز قایم شد عمامه مقدس با صخره مس شد پس چون موم بگذاخت *

محراب الخضر علیه السلام محل عبادت حضرت زیر صخره * مسند جبرئیل علیه السلام تحت الصخره به نشست جبرئیل علیه السلام و اینجا نشان شد * محل الخلیل علیه السلام مکان جلاوس انحضرت است تحت الصخره * محراب داؤد علیه السلام محل عبادت آن حضرت تحت الصخره * محل معراج النبی صلی الله علیه وسلم علی اختلاف الروایات من تحت الصخره و بردایت قوی من قبة المپی صلی الله علیه وسلم که ذکرش بالا رفت * بدر الارواح تحت الصخره محل اجتماع ارواح طیاره بردایت قوی - و بردایت ضعیف در قبة الارواح که ذکرش بالا گذشت * محراب سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه محل عبادت آن حضرت است * محل براق یعنی جائیکه در شب معراج حضرت صلی الله علیه وسلم براق را مربوط فرمود و خود با نفس نفیس با حضرت جبرئیل علیه السلام داخل مسجد گردید - ذکرش در احوال قبة النبی صلی الله علیه وسلم در گذشت -

آن محل خارج مسجد است و راه آن از راه سبزه - صاحب مفتاح اینجا شخصی است غیر از مزور * محراب معاویه رضی الله عنه محل نماز اوست * محراب الشافعی علیه الرحمة یعنی محل جماعت

شوا فاع ور زمان سابق * محراب الاربعین جہاں کسان از بزرگان
 سابق درین محل نماز خوانده اند * منبر سیدنا عمر خطاب رضی اللہ عنہ
 منبر بزمان فتح بیت المقدس ساخت * مسجد سیدنا عمر خطاب
 رضی اللہ عنہ مجلسی و مجمعی بود ساخت آنرا عمر خطاب رضی اللہ عنہ
 بزمان فتح خود - ذکرش بیشتر نیز در گذشت * قبۃ داؤد علیہ السلام
 در حقیقت این قبۃ قریب مہدی عیسیٰ علیہ السلام منہدم است
 خار و خس و رانجا بسیار و فضیلت آن بیشتر - غرض بتکلف
 اینجا نماز خواند * محراب یحییٰ و زکریا علیہما السلام مذکور است این
 محراب در آیہ کریمہ 'فنادتہ الملائکۃ و هو قائم یصلی فی المحراب
 ان اللہ یشرک بیکہی الخ مفصلا در تفاسیر مطالع باد - غرض
 محل استجاب دعاست * باب الخضر علیہ السلام محل دخول
 اوست * مہدی عیسیٰ علیہ السلام است * محراب مریم علیہا السلام
 و معبد او اینجا عبادت میفرمود و رزق آن از غیب میرسد چنانچہ
 مذکور است در آیہ کریمہ کلاما دخل علیہ زکریا المحراب وجد عندها
 رزقا قال یا مریم انی اک هذا قالت هو من عند اللہ ان اللہ یرزق
 من یشاء بغیر حساب * درین محل سورہ مریم خواندن و دعا خواستن و توبہ
 و استغفار کردن و حمد بلیغ در طاعت بردن اثری تمام دارد * محل
 الصدراط خارج از مسجد مدانی است وسیع یعنی مابین مسجد
 و طور زنبہ * روایت است از ابانر الغفاری رضی اللہ عنہ - قال قلت
 یا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اخبرنا عن بیۃ المقدس قال ارض المحشر

والمبشرايتوه فصلوا فيه گفت که پرسیدم یا رسول الله صلی الله علیه و سلم ارشاد فرما ما را از حال بیت المقدس فرمود که او هست زمین قیامت چون بیائی اینجا بس نماز بخوان - غرض قیام قیامت درین محفل شود بمصراط درین مقام قائم گردد و وادی جهنم در همان میدان باشد * روایت است از عبد الله ابن عمر رضي الله عنهما - قال ان السوار الذي ذكره الله تعالى في القرآن ف ضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة هو السجود و ظاهره من قبله العذاب هو وادی جهنم دیواری که ذکر فرموده است حق تعالی در قرآن شریف ف ضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة مراد از آن مسجید است یعنی اندرون رحمت است و ظاهره من قبله العذاب مراد از آن وادی جهنم است که بیرون مسجید است - کفار و منافقین طاقت گذر بر مصراط نخواهند داشت همانجا در وادی جهنم خواهند افتاد و مومنین و صالحان از صراط گذر کرده در باطن که مقام رحمت است خواهند رسید * باب التوبة قریب محراب مریم علیها السلام است از بنی اسرائیل چون کسی مصیبتی میکرد یک نشان بر پیشانی او فوراً پیدا میشد و نیز بر مکان و دروازه او مرقوم می شود که فلان کس فلان گناه در فلان وقت کرد مردمان از او کناره میکردند و داخل نمیدادند - تا آنکه بر باب توبه میرفت و استغفارا و الحاح در حضرت حق تعالی میکرد چون توبه او قبول میشد داغ اندامشانی او و عروفت از در دیوارش جدا میشد - الحاصل این

محمل استجابت دعا است * باب الرحمة محمل استجابت
 دعا است * کرسی سلیمان علیه السلام اینجا بود. مجمع و دیوان خاص
 سلیمان علیه السلام بانصد و وزرا و امرا درین محمل حاضر می ماندند
 و این است محمل وفات سلیمان علیه السلام که بعد وفات
 درین محمل تا صد سال بر جوی قائم ماند - قصه آن منضما
 در تفهیم آیه فلما قضینا علیه الموت ما دلهم علی مونة الادابة
 الارض تا کل منساته ملاحظه باد اکنون قبر هم اینجا است -
 و اگر چه مردمان اختلاف دارند در قبر سلیمان علیه السلام بعضی
 دفن آن قریب سیدنا داود علیه السلام و بعضی قریب صخره
 گفته اند لیکن روایت این محمل قوت دارد * بید الورقه اکنون
 اندرون اقصای جدید یعنی محمل فوقانی که ذکرش بالا گذشت
 واقع و این چاه سیدنا سلیمان علیه السلام است صاحب انس الجلیل در
 احوال آن از عطیه ابن قیس رضی الله عنه بچند طور روایت نقل کرده
 تحریر آن درین محمل موجب تطویل کلام - خلاصه این قدر است که
 شخصی مسمی شریک ابن حبابه [۱] بزمان خلافت سیدنا عمر خطاب
 رضی الله عنه در بیت المقدس رفت روزی بضرورت خود آب
 از آن چاه میکشید ریشش منقطع شد و گو در چاه افتاد شریک
 برای جستن و گو در چاه داخل شد یکایک نظرش بر درختی افتاد
 برگی از آن درخت برگرفت و از چاه برآمد و آن برگ از اشجار
 [۱] در فتوح الشام از وی صاحب این قصه را مخیمس بن هابس نمیری نوشته

دنیا نبود و برداشت دیگر اولاً در آن چاه یکدروازه دید و از دروازه باغی
 نظر آمد پس رفت در میان باغ و گرفت برگی از درختی و از چاه
 برآمد چون شنید عمر خطاب رضی الله عنه پس فرمود که بریند اگر
 آن برگ خشک نشود نایبشک برگ جنت است چنانچه
 دیدند که هرگز خشک نمی شود - امیر المؤمنین رضی الله عنه
 فرمود که صدق النبی هب الله علیه وسلم من شنیده بودم ازو که شخصی
 از امت ما خواهد رسید در جنت قبل موت خود شريك ابن حمزه
 بیشک همان شخص است * و در روایاتی مذکور است که
 امیر المؤمنین رضی الله عنه آن برگ را ازو برگرفت - و روایت
 دیگر ورق را شريك پیش خود در اوراق مصحف نگاه میداشت و
 با خود در میان کفن برد -- بروایاتی مذکور است که چون شريك در
 پناه رفت شخصی ظاهر شد و دستش برگرفت و تا شجر رسانید *
 و در روایاتی گرفتن دو برگ نوشته است و الله اعلم بالصواب
 و آن برگ عریض بود مثل کف ادم علیه السلام الحمد لله که
 واقم المحروف آب این چاه خوب نوشید و قدری همراه نیز آورده
 است آب این چاه چون آید دل نیک بختان از کدورت پاک
 و مانند بسم فوشین لبان شیرین و شکرناک - از اثر
 برداشتن خورشید خاوری مرزان و از رشک عدو تبش
 نبشکر مصری گره گره پیچان *

* منور - همچو چشم تیز بینان مصفا چون دل خلوت نشینان *

* رسیده عمق آن تا گاو ماهی نموده همچو عینک در میانهی *

* بی کسب لطافت آب حیوان در گذشته چو درد از ته نشینان *

حدید داؤدی دو چهار آست از آهن گویند که از همان آهن است که

از معجزه حضرت داؤد علیه السلام نرم شده بود منجق هیدنا عه خطاب

رضی الله عنه یعنی بیرون علم اوست - و آنچه در قبه الصخره نقل

سر هیدنا حمزه رضی الله عنه - و سیف هیدنا علی کرم الله

وجهه - دزین براق بنوی صلی الله علیه و سلم - و میزان اعمال

داشتند اند - و حوضی را که در صحن مابین قبه الصخره و انصامی

جدید یعنی منزل فوقانی واقع است و آنرا کوثر نام نهند این همه از

تفصیلات و اختراعات است اصابت آن از کتب تا ایندم

منلوم خارج شده *

فصل پانزدهم

در بیان مقامات متبرکه بیرون مسجد اقصی و زیارت هیدنا

داؤد علیه السلام و هیدنا سلیمان و هیدنا عزیز و هیدنا مریم علیهم السلام

و بعضی صحابه رضوان الله علیهم - و اکثر اولیاء الله علیهم الرحمة

- و هجبت نرفتن بر مزار هیدنا موسی علیه السلام *

تفصیل مقامات متبرکه بیرون مسجد اقصی

جبل طور زینا فضیلتش بسیار آمده - روایت است

از کعب رضی الله عنه أحب الشام الی الله بیت المقدس

و احب القدس الى الله تعالى الصخرة والطور * بنزیده تر
 ملک شام حق تعالی را بیت المقدس است و بنزیده تر
 در قدس صخره و طور است * و این طور زیبا است نه طور
 سبأ - بلکه طورهینه هنگام مراجعت از قدس قریب بحر
 شور از نظر عاجز گذشته انجا قریب است کناره دریا ظروف سنگی
 اکثر انجا فروشنده شخصی از براهیان عاجز از گشتی فرود آمده
 اثیائی سنگی از انجا تبرکا خرید کرد - ساهره روایت است
 از سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه و ابن عباس و حدیقه رضی الله
 عنهم - قال کنا جلوسا ذات يوم عند رسول الله صلى الله عليه وسلم
 قال يحشر الناس الحديث وفيه فينتهون الى ارض يقال له ساهرة
 وهي ناحية بيت المقدس تسع الناس ويحملهم باذن الله تعالى
 فرمود که بودم روزی جالس بحضور رسول مقبول صلی الله علیه و
 سلم فرمود که برانگیخته خواهد شد خلق ما آخر حدیث - و در آن فرمود
 که خواهند رسید بر زمینیکه نام او ساهره است دان ناحیه بیت المقدس
 است و کفایت خواهد کرد برای گنجایش برداشتن مخاوفات
 تمام رومی زمین قال الله تعالى فاذا هم بالساهرة هل انك حديث
 موسی * ساهره قریب است از طور زیبا و اینها امریست از
 آثار ام المومنین صفیه رضی الله عنها که لاو تشریف آورده در بیت
 المقدس و بر طور زیبا رفت و تا دیر مصروفید عا بود مصعد سیدنا
 حمیس رضی علیه السلام بر طور زیبا است و اکنون در انتقام گنبدی ساخته

اند از همین محال سیدنا عیسی علیه السلام بر پنج چهارم شریف فرماید *
 عین سلوان بفاصله یک کمره یا چیز می گم از بیت المقدس - روایت
 است از حال رضی الله عنه قال زمر و عین سلوان الذي بیت المقدس
 عین من عین الجنة زمر و چشمه سلوان که در بیت المقدس
 است چشمه است از چشم های جنت * پیوسته نا ایوب
 علیه السلام با تحقیق وجه "تسمیه آن معلوم نشود - هر چند رفتیم
 و زیارت کردیم و آبش نوشیدیم لیکن کسی از کیفیت آن
 خبر نداد - این قدر یاد می آید که چیزی ذکر آن در کتاب الجلیل
 است باعث عجاizat مالک از ملاحظه آن مندرماند *

قبور بزرگان در بیت المقدس نبی الله صیدنا دارد علیه السلام
 اندر قلعه هر جمعه وقت صبح زیارت و اجتماع خاص در آنجا معمول است
 نبی الله صیدنا داود علیه السلام نزد معام الکوسی و قبل عند الصخرة تحت
 بلاطة الهر - و قبل عند صیدنا داود علیه السلام * صیدنا داود علیه السلام
 خارج از سور القلعه و قریب بلد زبدامن کوه - مقبره کنه است
 و کلید مقبره در دست نصاری صبح و شام دروازه بکشاید - قبر
 شریف در تحت واقع است و مقام تاریک است - نصاری
 اندرون مقبره چند شمع اندکان و دیگر اسباب روشنی بطور
 خود فراهم کرده اند - اهل اسلام برای زیارت میروند و این
 نصاری قوم فرنگ نیست بلکه رومی * گویند نبی الله عز و جل علیه
 السلام بفاصله یک کمره فاصله زیستن آن حضرت بعد صد سال

در قرآن مجید موجود - عاجز چون در آن محفل رشید پرشید که آن مقام کجا است که ذکرش در قرآن مجید آمده فانظر الی طعامک وشرابک لهم یتسنه والنظر الی حمارک فادمان در بنامی نشان دادند دیدم که آن غار است نهایت تنگ و تاریک آخر چند شمع های مومی افروختیم و در آن غار خزیدیم و زیارت آن مقام کردیم * سیدنا سلمان فارسی رضی الله عنه من الصحابة بر چنین طور زیارت و بقولی در لک ذکرش خواهد آمد * سیدنا ابو حمیده رضی الله عنه من الصحابة والعشرة المبشرة * محمد علمی رضی الله عنه گویند که طایق رسول الله صلی الله علیه و سلم بود - و گویند که علمدار بود * شیخ عثمان علیه الرحمة من الازلیاء * رابعة العشرة علیها الرحمة غیر رابعة بصرف و این را هم شانی است بس عالی * رخیل بن سلیمان بن داؤد علیه السلام * ابو عبد الله القرشی علیه الرحمة * شیخ احمد دجانی * شیخ وجد و علیه الرحمة * شیخ وجدنا علیه الرحمة *

پوشیده مبارک قبر سیدنا موسی علیه السلام از بیت المقدس هفت کرده است لیکن وقتی که عاجز در بیت المقدس رسید راه پر خطر بود - بلکه در همان زمان دو کس را کشته بودند و اکثر امن طریق نداشتند و مزور و غیره مانعت کردند بدین سبب در آن محفل ترفییم - حاکمان شهر در هر سال بحمیمعت تمام بتقریب عرس آنحضرت میروند و چند روز در آنجا اقامت می ورزند و بیچاره سائین همیشه میروند اهدی آنها را مزاحم نیست * واضح باد که بیت المقدس را فضلی

است عظیم و مقامیت پسندیده رب کریم یک نماز را
 بواب پنجاه نماز و بروایتی است هزار و بروایتی هشتاد و پنج هزار
 اینجا است - و هر که بمیرد در بیت المقدس یا اطراف آن
 گویا که مرد بر آسمان این رتبه مخصوص در اینجا است - این است
 که جهاه انهار شیرین در دنیا از تحت صخره جاری - اینست که
 حق تعالی مبارک فرود اطراف و اکناف را بنهض قرانی -
 اینست که در روز قیامت مقام خود خواهد گمردانند حق سبحانه
 تعالی - اینست که خدای برتر کلام کرد اینجا موسی علیه السلام -
 اینست مکان نزول فواکه گرما در سرما در سرما برای
 مردم بنده و مراد - اینست جامی خروج و نزول عیسی علیه السلام
 از آسمان بر زمین و از زمین بر آسمان - اینست مطهر
 نزول مایه بر عیسی علیه السلام ابن مریم - اینست منزلی از منازل
 معراج نبی صلی الله علیه و سلم - اینست محفوظ از دخل یا جوج
 یا جوج - این است مصون و مأمون از رفس و خروج - اینست
 مربوط براق جنت در دنیا - اینست ثلث اثار گاه زکریا بولادت
 یحیی - اینست معبد و مدفن اکثر انبیاء پیشین - اینست مخزن
 هزاران برکات ادلین و آخرین - اینست دار الهجرت هیدنا
 خلیل - اینست منفیج صور اسرافیل - این است محشر
 و منشر عالم - اینست منظر نامه اعمال بنی آدم - اینست محل
 میزان اعمال - اینست حضرت داود علیه السلام را مقام "سجیم"

طبر و جمال - اینجا است که فرمود زکریا کفالت مریم - اینجا است
 جمله نغم جگر را مرهم - اینجا است منظوق آیه و واعدنا کم
 جانب الطور الایمن اینجا است کیاری صحابه و اولیاء را نشین -
 اینجا است بسی مقامات متبرکه - اینجا است روضه از ریاض
 جنت * غرض اینجا است چندین زیارات و آثار - بیرون از احاطه
 تحریر و حد شمار *

فصل شانزدهم

در آداب زیارت و اقامت بیت المقدس *

در قبه صخره داخل شود از باب شامی در بلاط سودا استاد و دو رکعت
 تحمیه المسبحه گزارد و مصروف دعا و استغفار گردد - بعد ازان برود
 زیر صخره و در هر یک مقامات متبرکه که اینجا دو رکعت نفل بخواند
 و جهد بایغ در دعا و استغفار ببرد - پس رو نهد بطرف مسجد فوقانی
 بعد از فراغ زیارات اینجا قصد منزل تحتانی حاذو و در هر یک محراب
 اینجا و محراب مسجد فوقانی و ظاهر الجامع که تعداد جمله محراب موجوده
 این زمان غالباً متجاوز از پنجاه باشد دو رکعت نماز خواند - و اگر در
 یکروز نتواند چندی روز تمام کند که هر یک را فضیلتی است جداگانه و
 و مصلاه عباد دنگاه انبیا و اولیاء هر زمان بوده است - و الزام نماز
 پنج گانه در مسجد و صوم بایک کاف که کم از سه روز نباشد نماید -
 و چنانکه هست دعت و هدیه ناکین و مستحقین بخشید - و تسبیح

مسجد نیز از ضروریات شمارد یعنی روغن باشمع که در بازار
 بکثرت میسر است خرید کرده بخادم مسجد سپارد - و بتعمیم
 پیش آید با ساکنان و خادمان بیت المقدس و باجارت
 مهمنم کدام روز اذان دهد در مسجد تا داخل شود در زمره مؤذنین
 بیت المقدس - و چون رخصت شود از اینجا بقصد مکّه معظمه
 باید که از انجا احرام بندد یعنی از بیت المقدس زیر ضحّه اگر
 قادر باشد بر تحفظ از جنایات که احادیث در فضایل آن بیشتر
 بیشتر منقول شده است مزدور و خادم و مهمنم مسجد شریف
 شخصی اندکسی بشیخ محمد دلف قیوم باشی حرم القدس و
 پسران او شان عبدالقادر و حسن و عمر و عبدالله و ولد مغیر
 داؤد است - اکنون آبادی و اهنام مسجد صرف متعلق از
 ذات اینهاست که جماعه پدر و پسر لیل و نهار در خدمت مسجد
 شریف مصروف - و شیخ موصوف مردی وجهیه و نیکو کار و نیز
 خلیق و هوشیار *

فصل هفتم

در بعضی اعجوبه بیت المقدس *

نقل است که ملایمان علیه السلام در زیر زمین بر که ساخته
 بود و بر روی آن فرشی مکتف گسترده و خود با نفس نفیس
 و اراکین سلطنت بر آن نشسته - کسیکه بر سر باطن می بود

بسجده آنکه قدم نهند در آن آب غرق می شد و آنکه راه حق
 می پیبرد جان سلامت می ربود * نقل است که ضحاک بن
 قیس در بیت المقدس آتشی افروخته بود کثیرا لخطب
 و شریک الذهب هر که مانع بود بصیان و جرم می شد او را
 پیش آن آتش می بردند صادق را ضرری نمی رسید و کاذب
 خود بخود در دهن آتش می پیرید * نقل است ثمال سگی
 از جوب تراشیده بر دروازه بیت المقدس داشته بودند
 اگر حاجری از پیشش میگذشت آن سگ غو غامیکرد پس
 بند می شد سحر او * نقل است که دروازه بود در بیت
 المقدس اگر یهودی ظالم از آن میگذشت در غضبه می
 گرفت او را آن در و نمی گذاشت تا آنکه باز آید از کرده
 خویش * نقل است که عصای در محراب مسجد داشته
 بودند که جز اولاد انبیا علیهم السلام اگر کسی آنرا لمس
 میکرد دستش میسوخت * نقل است که اولاد سلاطین
 و ملوک در محراب بیت المقدس می آمدند و شب آنجا
 می خفتند کیکه حاکمیت نصیب او می بود صبح دستش مطاوع
 می نمود * نقل است که در بیت المقدس اردو دار بسیار
 بود چون سیدنا عمر خطاب رضی الله عنه طلب الحیات را که
 در کلبه بود پیاد و بطور دوسنون داخل مسجد فرمود
 که آن هنوز در آن موجود است - از آن روز ضرر مار هر کسی

نمی رسد اگر کسی را میگذرد وائی او اینست که نایک حال بکمال
از زمین بیت المقدس خارج نشود اگر روزی هم ازان
نقصان کند و یک قدم از زمین بیت المقدس بیرون نهد
فورا بمیرد* و آنچه مشهور است که نصاری و یهود بیرون
باید بیت المقدس کلیدهای عظیم بنا کرده تصاویر و عجایب
در آن داشته اند ما هم شنیدیم و آن اکنون را از دور به چشم
خود دیدیم لیکن الحکم الله که از سایه آن محفوظ ماندیم و یاد وصف
تحریر بعضی ها کنان بیت المقدس گردش نگردیدیم *

فصل هیجدهم

در زیارت بیت اللحم که مولانا سیدنا عیسی علیه السلام است *

دوازده روز در بیت المقدس قیام کرده اراده زیارت
سیدنا ابراهیم علیه السلام و دیگر مقامات متبرکه که اثناء طریق کردیم
و از همان طرف قصد سفر مراجعت اندیشیدیم - سیرت
سفر از بیت المقدس تا مقام خلل الرحمن که ذکرش
با تفصیل آینه می آید اگر چه نه حاجت است بر آنه عوام
لیکن در حقیقت از صبح تا شام - و هر چند راه صاف است
نسبت دیگر مقام لیکن در اثناء راه زیارت بیت اللحم و
مرقد مبارک سیدنا یونس علیه السلام - پس توقف در بین امانه
لا بد و ضرور و در کمال این سعادت هر کسی را منظور - اندرین

طالب اگر در دو روز دوند بهتر است - عابران را بهنجین اتفاق افتاد -
 روزیکه از درشن روانه شدیم با چند کسان احرام بالمره تحت الصخره
 بستیم و در شغف چوبی مشتمل بر سواری دو کس و سه راس بغله
 ران سواری جمله بکرایه پانصد قروش مقرر کردیم بشرط آنکه از
 قدس تا ذیل الرحمن و از اینجا تا یافا در هشت روز بدرج رود
 و جایگاه زیارت انبیاء علیهم السلام و دیگر مقامات متبرکه که ببرد -
 از اینجا عابر برعیت مولوی حضرت شاه محمد عمر صاحب قبله
 بر شغف چوبی سوار شد و بتجربه دانست که نسبت ران سواری
 درین عافیت است - وقت اول عصر نهضت کردیم و
 مغرب در بیت اللحم فرود آمدیم و شب اینجا گذرانیدیم * بدانکه
 بیت اللحم محال ولادت سیدنا عیسی علیه السلام است
 و آنرا قضای عظیم است و مقامات متبرکه که مذکور
 در آیه کریمه فاجاءها المخاص الی جذع النخلة چون شقیع
 المذنبین صلی الله علیه وسلم در آن محال لشب مراجع تشریف
 آورد جبرئیل علیه السلام گفت که حضرت فرود آید از سواری و نماز
 نوانید اینجا چنانچه فرود آمد و نماز کرد - پس جبرئیل علیه السلام
 گفت اندر این صلیت صلیت بیت لحم حیث ولد عیسی علیه السلام *
 منقولست که سیدنا عجل الله ابن عمرو بن العاص رضی الله عنه را معمول
 بود که روغن برای تسریع در بیت اللحم دایما میفرستاد - و به
 تسبیح هر اینست که در دیگر تسبیح نرسیده که بزمان باستان بیت

المقدمس دارالسلطنت بود آبادیش انقدر که بیت اللحم
 محله ازان بود مذبح بقدر غم والله عالم بالصواب * اکنون فریاد است
 کبیره و مجمع چند قوم نصاری که روحی و انگلیشیه وارمنی و روسی
 و فراسیسن و نمسا میگویند کالیسمای عظیم ساخته اند و محل
 ولادت هیلنا عیسی علیه السلام را در ید اختیار خود داشته اند
 و آن مکان را از شیشه آلات و غیره خوب آراسته اند -
 اصل صاحب مفتاح اگرچه نصاری رومی لیکن خدمت گذار انجا
 جمله قوم نصرانی - بدین جهت هر یکی از طرف خود اهتمام مزید
 دارند و اعتراضات فراوان بکار می برند - پادریان این قوم دران
 محل مصروف انجیل خوانی - قیسین و رهبانین مشغول طالع
 جنبانی - بعضی بنظاره تصاویر عیسوی مست - و بعضی محو آتش
 پرستی تابعین زردشت - بعضی ناقوس کلیسا در دست -
 و بعضی با شمعهای مومی آزر برست - اهل اسلام را باوقات
 مخصوصه راه دهند و باعث مجتهد طبعی و شیطانیت جلی
 باطمینان بگذارند * دران محل عمارات عالیه و مکانات مرتفعه
 بنا کرده اند و از جطمان و چهار و جلباب و استار در تارکیش
 انداخته - و در شب شمعهای مومی در انجا نهاده و طایفه نصاری
 از یکپا استاده - وقت زیارت چون نیک بنیاه کردم در عین
 محل ولادت روزنی دیدم در بقدر چهار انگشت که حوالی آن
 تابلک یک شیر از پارهای طلا متشکل شکل عرزی محکم و

چست و بران، حرفی چند در انگریزی نوشته اند و سبزه گاه
خود ساخته اند - معلوم نشد که آن سوراخ از مهر چیست و
علامت کیست - مهتم و خادم بنامه عیسائی مشرب - بس
منافرت قوم و لسان مانع اظهار مطلب - لاجرم زیارت را
غنیمت دانستیم - و محل زیارت ادراک نیافتیم - کسی
اگر از اهل اسلام می بود بیشک درین خصوص دست
و پا می زدیم و پی به تحقیق می بردیم و اگر روزی ما هم می بود در
نمایش آن چون مور می خریدیم - الغرض تمام شب در بیت اللحم
ماندیم و صبح رخت سفر بستیم *

فصل نوزدهم

در زیارت سیدنا یونس علیه السلام به مقام حلحول *

از بیت اللحم که روانه شدیم وقت ظهر بروضه سیدنا
یونس علیه السلام رسیدیم و آن خارج قریه است مسی
به حلحول - روضه اقدس از تکلفات ظاهری بری درد
دیوارش با گل گلی جز بعضی کاشکاران ده آنجا نه خار سنی
و نه در بانی - و برخلاف دیگر مزارات آنجا نه خادمی و نه با سبانی -
همان کاشکاران که آنرا فلاحین گویند چیزی نمی خورند و روضه و
سبزه متعلقه آن پیدا کنند *



فصل بیستم

و زیارت سیدنا ابراهیم خلیل و سیدنا اسحاق و
سیدنا یعقوب مع ازواج و ربکان و سیدنا یوسف
علیهم الصلوٰۃ و السلام - و بعضی اولیاء الله میل
حضرت ابوبکر شبلی و غیره علیهم الرحمة *

وقت عصر به بلد سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام وارد شدیم
این بلد از قدیم حبرون نام دارد بفتح حاء و خطی و سکون باء
موحده و در عرف منسوب باسم حضرت علیه السلام کنند
و خلیل الرحمن گویند * روایت است که هرگاه سلیمان علیه السلام
از بنا بیت المقدس فراغت فرمود وحی آمد که ای ابن داود
عمار قتی بنا کن بر قبر خلیل ما تا علامت باشد بعد تو - پس سلیمان
علیه السلام با قوم بنی اسرائیل از بیت المقدس بیرون آمد
و در کنعان رسید و بسی در تلاش قبر گردید چون نشان
ندید در بیت المقدس باز گشت - پس وحی آمد که ای سلیمان
حکم ما بجا نه اوردمی عرض کرد که مقام قبر از نظر ما غایب است -
باز حکم شد - که بر دو به بین که نور می از آسمان می آید بر زمین
انجا است قبر خلیل ما - بار دیگر سلیمان علیه السلام رفت و حکم فرمود
اجنه را تا بنا کردند عمارتی در موضعی که نام او را سندا است قریب
قریه حلیول که در انجا قبر سیدنا یونس علیه السلام است *

پس و حی آمد که این آن مکانیست که ترا گفته شده بود
 نظر کن بمکانیکه آن نور مندی است از آسمان تا زمین - باز
 رفت حیدمان علیه السلام و آن نور مخصوصه را در بقعه از بقاع
 جبرون یافت پس دانست که مکان متصور انیست - چنانچه
 مقبره را با کمال شان و تمکین بیا راست * فضایل همین نا
 ابراهیم خلیل علیه السلام حاجت تحریر ندارد که ائمه کریمه و انخذ
 الله ابراهیم خلیلا - و دیگر بسیاری آیات قرانی موجود است *

روایت است از انس بن مالک رضي الله عنه قال قال رجل للنبی
 صلی الله علیه وسلم یا خیر الناس قال ذاک ابی ابراهیم صلی
 الله علیه وسلم و فی رواية مسلم یا خیر البریه قال ذاک ابی ابراهیم
 علیه السلام - شخصی بحضور سرور کائنات صلی الله علیه وسلم
 خطاب کرد با لفظ یا خیر الناس حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که
 خیر الناس پدر ماست ابراهیم علیه السلام - و در روایت مسلم
 لفظ خیر البریه است - فرمود که خیر البریه پدر ماست ابراهیم علیه السلام

روایت است از سید الکونین صلی الله علیه وسلم لما امری
 بی الی بیت المقدس مر لی جبرئیل علیه السلام الی قبر
 ابراهیم علیه السلام فقال انزل فصل ههنا رکعتین فان ههنا قبر
 ابراهیم علیه السلام و قتیکه در شب سراج بر بیت
 المقدس آمدم به برد ما را جبرئیل علیه السلام طرف قبر ابراهیم
 علیه السلام و گفت که حضرت فرود آئید از سواری و نماز خوانید

اینها دو رکعت که اینجا است قبر پدر تو ابراهیم علیه السلام *
 روایت است از سرور کائینات صلی الله علیه وسلم قال من
 لم یعمدنه زیارتی فلیزر قبر ابراهیم علیه السلام فرمود که هر کس
 زیارت من ممکن نباشد بگو که زیارت کنه قبر ابراهیم علیه
 السلام را * روایت است از کعب رضي الله عنه اکثروا الزیارة
 الی قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم و اظهروا الصلوة علیه
 و علی صاحبیه ابی بکر و عمر رضوان الله علیهما قبل ان تمنعوا
 عن ذلك و یحال بینکم و بین ذلك بالفتن و الفساد السبیل - فمن
 منع ذلك او حیل عنه وهی الزیارة الی قبر رسول الله صلی الله
 علیه وسلم فلیجعل رحلته و انیانه الی قبر ابراهیم علیه السلام و لیظهر
 الصلوة و لیکثر الدعاء فهو عنده مستجاب ولن یتوصل به احد الی الله
 جل تثنائه فی شیء الا لم یبرح حتی یری الاجابة فی ذلك
 عاجلا او اجلا اکثر کنند زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم و درود
 فرستند بر وی و بر مرد و یاران وی ابوبکر و عمر رضی الله عنهما قبل
 انکه مانع پیش آید و حایل شود در میان شما و در میان زیارت
 فتنه و فساد زمانه - پس کسی را که مانع پیش آید یا حایل آید
 در زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم و سلام پشمن کوچ کند
 و بیاید طرف قبر ابراهیم علیه السلام و درود خوانده باشد و کثرت
 دعا کند که دعا نزد قبر او علیه السلام مستجاب است - و کسی که در
 دیبانه گرفت حضرت ابراهیم علیه السلام را بطرف حق تعالی

بکدام حاجت خود خواهد دید اجابت دعا، خود بزدی باشد یا بدیرم *
 الحمد لله که درک سعادت کردیم و به بلد سیدنا ابراهیم علیه السلام
 رسیدیم - ماکل و مشارب ضروری درین بلد مهیا انجیر و انگور
 ارزان از اکثر جاعا که سلطان زاید از بیت المقدس متعین -
 سواران ترک را زیر اشجار زیئون مخیم و مسکن - سنگ مرمر
 مغروش و هر کوبه و برزن - مشکبهای صغیر و کبیر را اینجا است
 مخزن - اکثری برای تجارت در بلاد و امصار برند - و نیزه های پیش
 اقران و احباب کنند - عاجز هم چون در قیمت ارزان دید - چند
 عدد برای سفر مدینه طیبه خرید * اکنون تحقیق روضه متدبر
 سیدنا ابراهیم خلیل علیه الصلوة و التسلیم بگوشتش دل باید شنید
 که روضه مبارک اندرون بلد با کمال تقدس و شان اراسته -
 و با هزاران برکات ظاهری و باطنی پیراسته - مستحجری عظیم
 الشان محیط ضریح اطهر - رواق و جوامع گرداگرد و قبر آن پیغمبر -
 در دیوار روضه و مسجد مطهر مذہب - آیات قرآنی بایجا مکتوب
 و مرتب - گنبد گلارش در رفعت آسمانی بر زمین - و در نزہت
 گلستانی بر چرخ جارمین - قبر زرنگار مرصع باجبار مختلف الالوان
 جمنستانی رنگین - یا بوستانی رشک افزای خلد برین - محراب
 سوسنی طوق گلوی قمری نوا زن - دیوار مرمری موج بهار نسرین و
 نترن - ستونش چون سرو از دو رنگی ازاد - پایه سنگی
 استاده مانند شمشاد - مناره اش مانند گل شببو لبلی و نهار

سربانده - طاق و روانش چون ادراق گل یکی با دیگری هم پیوند -
 کنایه 'یا قوت رفیعی در خط گلزار - حروفش شیوه نو بهار - تحریر
 خطوط چون کاکل گلرخان با هم پیچان - مرکز و دایره حروفش چمن زار
 سنبلیل ضمیران - بین السطور نهر خیابان باغ رضوان - لوح
 مرار - شمع گفوی حوران جنان - فرش قالین که مابین روضه
 گسترده اند - طبقه لاله زار بر طبقات زمین افروخته اند - گل‌های قالین
 که رنگارنگ افشانه اند - بهار ستانی بی خزان کاشته اند - در
 روضه مانند غنچه هر شب سربسته - و سحر چون گل تازه
 شکفته - نقش و نگار دیوار جائی شومنی و جائی صنوبری - سوراخ
 عمارت سربا با از گل سوری - محاذی روضه اقدس شجره
 دیگر مدفن ام الانبیا یعنی میدتنا ساره رضی الله عنها زوجة سیدنا
 ابراهیم خلیل علیه افضل الصلوة و در حجرات جراگانه میدنا اسحق
 و زوجه آن حضرت میدتنا و بقعه و همچنان میدنا یعقوب و زوجه
 آن حضرت میدتنا لایقه - و نیز میدنا یوسف طی نبینا و علیهم
 ابلغ التحیات * هر یکی این پیغمبران در ظل شجره عطاءت
 پدر و پدر بزرگوار خود آرام فرما این بقعه پر نور در حقیقت کاشن
 انبیا است هر شاخه درین بوستان از تنخل ابراهیمی سر کشیده -
 و هر گل درین باغ از همان گلین نبوت رسد - اگر گل است
 دمیده اوست و اگر شگوفه است سربور آورده ازو چندین ازار
 عروطلال از یک شاخه مار رسالت سر بر زده - و چندین انمار

فصح و کمال از همان دوش خلت بظهور آمده - کویم ابن الکویم ابن الکریم
است - حبحره بزرگان را زیب و زینتی است جداگانه - و آرایش
و اندازی است یگانه - روضه پدر بزرگوار اگر خلد بر نیست بسرم
فردوس - نشین جداگانه اگر در جنت الماوی جاگزینست جگر بند
فرزندش نیز در ارم همسقرین - یک گوشه این باغ اگر
لا لزار است جانب دیگر تحت گل را بهار - و اگر طرفی سمن زار
است بهاموی دیگر هرزان گل نثار - نسیم اگر از شرق این باغ
سحر خیز است شمیم جنت از غرب هم عطر پیاز * الغرض این
زمین هر گانه از ابراهیم است هر تار و جنت نعیم است *
گویند که قبور این همه بزرگان حقیقتاً در غار است و هر زمان پیشین
بوقت مخصوص زائران زیر غار میروند یکبار کسی از امراء عرب
در وقت غیر معمول با وصف مماثلت مزورین در غار رفت دید
که ام الایمیا سید نسا ساره رضي الله عنها در شانہ کشی مصروف است
سیدنا اسحاق علیه السلام بجماعت مادر بزرگوار خود پرداخت و طمانجه
بر سر او چنان زد که هر دو چشمش کور شد آن امیر چند روز در آنجا
مقیم ماند بهالجاج و گریه دزاری توسل برد و سیدنا ادرهیم علیه السلام
آورد و عفوئی تقصیر خواست روزی در خواب بود که حضرت علیه السلام
دست شفقت بر چشمش گردانید و آن کور بینا شد از آن
روز غار را از هر جوانب بند کردند و سقف نمودند و بر سقف غار
محمادی هر قدر قهری دیگر ساختند و بر آن حبحره و روضهها ترتیب

دادند مگر یک طرف قدری دهن غار هم دا داشته اند تا زایران
 اران مقام نیز زیارت کنند * معمول بعضی جناست که
 عرایض و کلام تشهد نوشته در غار اندازند مرد غار ورقی نبوسد
 و چند جا آن را مرین بمهر سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام گرداند و
 اسما مبارک هر یک بزرگواران محمد و جین نیز نویسنه - و چند
 سطور عبارت مشتمل بر نام و نشان زائر و حاضری آن کس
 و بعضی اشعار بطور صاوات ترقیم کرده بان بخشنه - و ان
 کاغذ را دستور نام نهد یعنی سند حاضری ان آستان جنت
 نشان است گویند که از فحترحات مرورین است و الله اعلم بالصواب *
 عاجز را هم سندی عنایت کردند به عجب که سری درین
 بوده باشد * مصرع * کار پاکان را قیاس از خود بگیر *
 نقل است که چند کس بزیارت سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه
 رفته بودند از انجماء شخصی بود که بر او نام داشت نهایت مرد مسکین
 و کم فرست - چون همه از زیارت مراجعت کردند و چند منزل بسوی
 وطن باز گشتند روزی از برادرا با خود طیبیت کردند و گفتند که ما هر یکی
 سند حاضری از حضور سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه یافته ایم
 شما سند در دست دارید یا نه آن بیچاره بر محرومی خود
 شش در و حیران شده و چاره نگر آن ندید که صحبت یاران گذاشت
 و تنها بر مزار اقدس باز گشت و مجاورت نکرد و زار زار بگریست
 و سند طلب میکرد - بعد چندی دستی از غایب ظاهر شد

و در فی کتوب باب زر برادر را غنایت فرمود - و در آن ورق
همین قدر عبارت مرقوم بود برادر ی من النار - کتبه حیدر کوثر -
برادر شادان و فرحان بوطن باز آمد دیاران را خبر داد هر یکی
ر شک بردند و حسرت خوردند *

• خاکساران جهان را بحقارت مذکور توجه دانی که درین گرد حواری باشد •

الغرض بالفعل خادم روضه ابراهیمی شیخ عمر الحودری و امام
مسبحر شیخ خلیل الحودری هستند مصارف مسبحر و روضه از اوقاف معین -
خوان کرم ابراهیمی نا ایندم بهر کو و بر زن - یعنی بوقت عصر
چند دیگ طعام روزانه بخشیده می شود - الحکم بعد که روزی این
تبرک نصیب طاهر هم شد *

واضح باد که جز زوره مطهره در د عالم صلی الله علیه و سلم و این بزرگوار که در
حیرون تشریف میدارند تخصیص و تعیین مکان نسبت قبور دیگر
انبیاء علیه السلام از کتب مستحق نیست و ازین بنجا است که گفته اند *

• ولا یعرف قبور الانبیاء جمیعاً • سوی الحیرون و ما دون الرسول •

اداب زیارت روضه اقدس

مستحب است برای قاصد زیارت سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام
که کناره کند از گناهان و توبه نماید بحضرت سبحان بس نیت
زیارت کند و متوجه شود بر غیبت و شوق و محبت و در اثنا راه کثرت
این درود نماید اللهم صل علی سیدنا محمد و علی آل سیدنا محمد کما صلیت و
سلمت علی سیدنا ابراهیم و علی آل سیدنا ابراهیم انک حمید مجید *

اللهم بارک علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد کما بارکت علی سیدنا ابراهیم
 وعلی آل سیدنا ابراهیم انک حمید مجید ورحمتک با ارحم الراحمین *
 پس در مسجری آید باداییمه سنون است دعا کند بدعا مانوره
 و بگوید بسم الله صل علی سیدنا محمد وافتح لی ابواب رحمتک * بعد
 از آن دو رکعت تحمیه المسبیه خوانده قصد زیارت کند و بایستد بر در
 صخره اقدس با کمال عاجزگی و ادب و استغفار کند و درود
 فرستد بر سید المرسلین صلی الله علیه و سلم - پس بگوید
 السلام علیک ایها النبوی ورحمة الله وبرکاته شهد ان لا اله الا الله وحده
 لا شریک له و ان محمدا رسول الله و انک عبد الله ورسوله و خلیفه خواتم الانبیا
 جزاء ما عملوا اهلهم سپس بگوید صلوات الله البر الرحیم و الملائکة المقربین
 و الانبیاء و المرسلین و الشهداء و الصالحین من اهل السموات و اهل الارضین
 علیک یا ابا الانبیاء یا خلیل الله و علی والدک السید الکامل الفانی سید الاولین
 و الاخرین سیدنا محمد حبیب الله و علی آلکم و صحبتکم کما ذکرکم الزاکرون
 و غفل عن ذکرکم الغافلون * بعد ازین هر چه خواهد دعا خواسته متوجه
 شود بطرف روضه مقدسه سیدتنا ساره رضی الله عنها و بگوید السلام
 علیک یا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و رحمة الله و برکاته انما یرید
 الله لینبی عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا * پس متوجه شود
 ظرف قبر سیدنا اسحاق علیه السلام و بگوید السلام علیک ایها النبوی
 الکرم و رحمة الله و برکاته و هر چه خواهد بخواند - پس
 نیاید قدری چند نزد قبر سیدتنا رقیه رضی الله عنها و بگوید

چنانکه گذشت - پس بآداب تمام بسوی هیلنا یعقوب علیه السلام آید و مطابق تصریحات بالا زیارت وی و زیارت زوجه وی سیدتنا لایقه کند بعد از آن بطرف حجره سیدنا یوسف علیه السلام آید همچنان عمل کرده در طرفیکه اینجا اثر قدم مبارک سید الانبیا صلی الله علیه و سلم است برود و زیارت کند و پس نماید و ثانیاً روئید طرف شباک شریعت سیف نا ابراهیم خلیل علیه السلام بجا آنکه مقابل قبر هیلنا یعقوب علیه السلام است و اینجا متوقف شود و اجتهاد بدعا نماید که محفل قبول دعا است پس درود فرستد بر جملة انبیا و سرور کائنات صلی الله علیه و سلم اجمعین اینجا جماعه برزگوار یا ازواج مطهرات خود آرام فرماید بسوای سیدنا یوسف علیه السلام که بعد مدت نعلین مبارک را حضرت موسی علیه السلام از مصر درین محل آدرند مصر را در کتب تواریخ موجود و زوجه حضرت یعنی هیلتنا زلیخا رضی الله عنها همچنان در مصر ماند تا وقت مراجعت در مصر از قبرش نشان جست مکانش هویدا نیست دریای نیل آن را ببرد همچنان از هفتم خانه حضرت زلیخا رضی الله عنها خبر گرفتیم آن عمارت هم داخل دریای نیل شد گویند که بستونی از آن باقیست * آگاه باش که حضرت زلیخا را بانهظیم یاد کنند که او را قطع نظر فضیلت اهل بیت نبوت دو فضل جداگانه هست یعنی در ابتدا عاشق و در انتها معشوق نبی شد کنعان یفضل

باند سیدنا ابراهیم خلیل الله علیه السلام است اکنون بالکل ویران -
و اینجا کوهی است مشهور بر جبل کنعان *

قبر اولیاء الله د ربلد خلیل الرحمن *

شیخ ملی بکه علیه الرحمة گویند که نسبت و خصوصیت بوابی در
حضرت سیدنا ابراهیم خلیل الله علیه السلام دارند * شیخ ابوبکر شبلی
علیه الرحمة فیوض از مرار اقدس محیط مستفیضان و ترشح مانند
باران * و در گوشه 'قبر شخصی از خدام حضرت شیخ ملی که نبوش
ادهمی علیه الرحمة من اولاد سیدنا ابراهیم ادهم علیه الرحمة گویند که هفت
سنگریزه از آن قبر بردارند و امامت سفر کنند * شیخ
ابو الریش علیه الرحمة من المجاهدین * شیخ برهان الدین جابری * شیخ
اوسی من المجاهدین *

فصل بیست و یکم

در زیارت سیدنا نوح و سیدنا لوط علیهما السلام

قویب ملک خلیل الرحمن *

قبر سیدنا نوح علیه السلام بمخافت سه کوه از جبرون واقع و راه
باعث تراکم جبال محنت گذار - لیکن شهادت جوئی و بغال
وقت حاجت بکار - روضه مقدس ملی آرایش ظاهری در میان
جبال و احجار - قلاصین که مراد از دهقان باشد در اطراف آن
کاشتکار - گندم و جو در گنبد شریف جایجا انبار - شخصی کلبی

هندی دان در اینجا خدمت گزار - سه قبه دیگر چیزهای به عبادت از روضه
 اقدس مقام بعضی اولیاء کبار - اول ظهر از جبرون راه زیارت
 مگر فیم وقت مراجعت چون شب شد قدری زحمت کشیدیم
 زایرین را باید که اول نهار قصد این زیارت کنند تا بروز
 روشن بر احوال مراجعت نمایند پس از آن روزی دیگر سواری
 شغدف چوبی بریارت سیدنا لوط علیه السلام رفتیم ربع این راه
 منحور کوه برای شغدف عمیر البرور - راکب و مرکب هر دو مخطور -
 روضه مبارک بر کوهی نمایان از دور - در جانبی زیر دامن کوه بحر
 شور - قبه شریف محاط از سور - و در آن یکدالان مسجد
 مشهور - و چند خلوت در آن حسب دستور - اقامتی بروضه جز این
 نیست که یک سوار ترک برای حراست مامور - و دو یک
 مراد همین دیبه خادم روضه پر نور - بعضی ساکنان اینجا که چند خانه زایر
 نباشند چیزهای کمی متذکر * لیکن بالفصل از داروگیر عما که محاطانی
 مجبور - خانهای خود خالی گذاشته منور * آگاه باشید که اینجا جز آن
 سواری بر شغدف چوبی قصد نباید کرد این زیارت اقرب
 است از زیارت سیدنا نوح علیه السلام خادم روضه در غاری
 بدالان مسجد نشان داد که اینجا هست مدفن حضرت ابراهیم
 ادهم علیه السلام و هفتاد اندیا علیه السلام و اله اعلم بالصواب *



فصل بیست و دوم

در زیارت زکریا علیه السلام *

حاجز سه روز در خلیل الرحمن مقیم مانده و از زیارت انجا فراغت یافته بروز چهارم سفر مراجعت را کمر بستیم و زیارت اشاده البه در میان خلیل بود لیکن آنقدر طایع و نیردل که اندر یافا به قدم رسیده بودیم هرگز ندیده نشده راه یافا از حبرون اسهل از بیت المقدس پس زائر خلیل الرحمن را احتیاج نیست که در بیت المقدس رجعت قهقری کند و بلا ضرورت محنت هر خود لازم گیرد الغرض وقف عصر در بلد میلنا و زکریا علیه السلام وارد مشیم انجا جز زیارت حضرت علیه السلام زیارت دیگری نیست و آن در صحن مسجدی است که در آن درمی و نه در بانی - و نه شوکتی و نه ثانی - این مقام قریه است خردتر - و مسکن بعضی فلاحین و مساکین بی سیم و زر - بی بهره بیو بشه و نشین هم درست ندارند و بقله و دله بیگذرانند و یا وصف آن شرایط همان نوازی و کوازم مسافر پروری با حسن وجه بجای آرند حاجز که در همان مسجد شیب اقامت و در زید جمله خاکنان آن قریه فراهم آمد کسی دست می بوسید و کسی نان و پنیر پیشش می کشید مرغ و بیاض نهایت ارزان و همچنین است رسم دیر و دهقان *

فصل بیستم و سوم

در زیارت مقام لد بروزن ضد

وقت مراجعت یعنی هینا شمعون علیه السلام و حکیم لقمان و بعضی صحابه کبار علیه السلام و اکثر اولیاء الله مثل ذوالنون مصری و غیره قدس الله امدارهم از بلد هینا ذکر یا علیه السلام چهار گهر می روز بر آمده سوار شدند و وقت عصر در مقام لد رسیدیم و بروضه اقدس هینا عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه طرح اقامت افکندیم و کمال راحت یافتیم خادم اینجا اسمی عبد الرحمن در خدمت مسافران کمر بسته مادرش باعث وفات شوهر خود که نوزده روز گذشته بود سخت رنجور و دل خسته دالان بیرون قبر شریف اقامت مسافران را کافی اشجار غنت و تر و تازان و زینون و یغره در دیوار را حادی دآب چاه با استعانت دلاب از مبع نامغرب جاری باغیچه صغیر پرده دار برای گذران مستورات وافق بدانکه قصه صغیر اسمیست لد بکرام و نشدیده دال بروزن ضد از مقام رمله متذکره بالا متصل غالبانیم کرده کامل باشد این مرتبه بر ماله نرفتمیم که از زیارت اینجا پیشتر فارغ شده بودیم نان و لحیم و اکثر سامان اکل و شرب میسر در لد و مقامات زیارت حسب تفصیل ذیل بیشتر چون بافا از اینجا مسافت جماعت راه بود روز دیگر تاظهر اینجا مقیم ماندیم و درین

اتنا که فرصت دوقت یافتیم از زیارت اینجا مشرف شدیم
مناوم شد که زیارت حضرت لقمان حکیم علیه الرحمة نیز قریب
است چون بار اول هنگام دخول رمله باعث غلطی مکاری یعنی
صاحب البیغال آن زیارت فوت شده بود اکنون بتلافیش
برداشتیم - و راه آن زیارت گرفتیم - و در ساعتی بدان مکان رسیدیم -
و زیارتش کردیم - مزار مبارکش قریب است از شارع عام -
و در حجره مسجد می مغیر انرا مقام - و در صحن مسجد بسروش
در آرام - باید که هر دین رمله از یافا مکاری را تاکید کنند که چون در آن
محل رسد ضرور سوار می تانجا کند تا کسی از بیخسرمی مثل حاضر در
منالطم نافه و بار اول وقت رفتن رمله درک این سعادت بیا
مشقت میسر آید * زیارت حضرت لقمان علیه الرحمة مانند دیگر
زیارات لازم باید گرفت که حق تعالی در قرآن مجید انرا ستوده
است ولقد اتینا لقمان الحکمة ان اشکر الله گفته اند که لقمان علیه
الرحمة از هزار نبی علم اموخت و هزار نبی را اموزانید * نقل است
که حق تعالی چون آنرا مخبر گردانید در میان حکمت و نبوت او حکمت
اختیار کرد * درین محل نکته لطیف اینست که با وصف علو رتبت
نبوت حکمت را چرا اختیار کرد خردمندان گفته اند که چون مولی
بند را سرفراز فرماید دخلتی از خلعتهایش بخشیده و بنده را در آن
مجاز و مخبر گرداند پس داب ادب و مقهضای عبودیت آنست
که ادنی را اختیار نماید تا هم نفس و عجزش بسند مولی آید و در

دش جاگزینند و رضای مولی موجب هزاران انعام و بخشش شود و نیز بنده را هنوز حقی بر مولی باقی ماند که آن باد صفت تخمیر بر ادنی اکثفا و زید پس لابد مولای عادل بدیگر نط هم باندی رتبتش بخشد چنانکه بحضرت لقمان علیه الرحمة بخشید که هزار نبی را شاگردش فرمود و او را مصداق و من اوتی حکمة فقد اوتی خیرا کثیرا گردانید *

تفضیل قبور و زیارات بزرگان در مقام لد

قبر نبی الله سیدنا شمعون علیه السلام از اولاد سیدنا یعقوب علیه السلام اندرون بلد است و باعث امتداد زمان جز یک محراب دیگرم هیچ آثار قبر هویدا نیست * تمام نبی الله سیدنا ادریس علیه السلام در جامع کبیر از همین تمام حضرت زنده در جنت رفت - قال الله تعالی و رفعناه مکانا علیا * قبر سیدنا سلمان فارسی رضی الله عنه من اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم و نیز بر طور زینا در بایت المقدس که ذکرش در گذشت با اختلاف روایت * قبر سیدنا عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه من الصحابة با اختلاف روایت چرا که در مدینه طیبه هم در البقیع مرویست * قبر سیدنا مقلد رضی الله عنه من الصحابة * قبر حضرت ذوالنون مصری قدس سره * قبور چهل بزرگ از غازیان طایبهم الرحمة * قبر عبد المؤمن من اولاد سیدنا محمد خطاب رضی الله عنه * قبر شیخ احمد زکی علیه الرحمة من اولاد الانصار * قبر

شیخ محمد جلال و شیخ محمد جبر علیهما الرحمة فی قبر واحد * قبور
 شیخ محمد ناجی و شیخ عبد الله ناجی و شیخ یسین ناجی علیهم
 الرحمة فی مقام واحد * زادیه محمد و سعید علیهما الرحمة * قبر احمد
 فرع علیه الرحمة * قبر شیخ صالح الیهی علیه الرحمة * زاویه
 العمری علیه الرحمة * قبر شیخ عرووات علیه الرحمة * قبر شیخ حمین
 العلمی علیه الرحمة * قبر شیخ طه علیه الرحمة * قبر شیخ محمد بن
 عبد اللطیف من اولاد عبد المؤمن علیهم الرحمة * وقت ظهر از در
 سوار شدیم و در اثنا راه زیارت حضرت لقمان حکیم علیه
 الرحمة کرده منصرف در یافا خواندیم و بهکان سید عبد الغنی و فاکر
 ذکرش بالا رفت فرود آمدیم بعضی از مدرّسین مسجد جامع یافا
 مایان را محرم و م دیده معترض شدند که بیت المقدس میقات
 احرام نیت چون احادیث متذکره بالا که در فضایل احرام از بیت
 المقدس نوشته شد از نظر آنها در گذشت سکوت کردند بل
 منبذ شدند الغرض بآن نظر رسیدن مرکب و خانی ناهشت روز
 در یافا معطل نشستیم چون مرکب قوم روسیان رسید سوار
 شدیم و در یک شبانه روز حسب دستور در اسکندریه
 مراجعت کردیم حکیم محمد اسماعیل صاحب در یافا بمنابه تپ
 شدند و تا اسکندریه رسیده مرض شدت کرد و یرقان
 قبل السابع لاحق شد حالت ردمی گردید بالاخر در مصر شب
 جمعه سوم ربیع الاول بخانه برین شتافتند اللهم اغفر له مایان

در جامع اثر هر در دافعی از ردا قها جاگزیدیم و آن روز متوقف ماندیم. سبب آنکه در روانگی مرکب دغانی از سویس تا جره توقف و تراخی بسیار سموع شد. بعد از آن بمقتضای آنکه الا انتظار اشد الموت مصالحت چنان نمود که سنوق مغذیر که مراد ارکشی است اختیار باید کرد چنانچه در سویس آمدیم و بسی انتظار برای مرکب دغانی کردیم نیافتیم لاجرم سنوق را اخبار کردیم و البته باعث معیت سواری زمانی چیز می زحمت کشیدیم سنوق در ناپاظم بسیار نه و بالا می شود و بر روی آب راست نمی رود اگر چه دریا از سویس تا جره ناپیدا کناره نیست بلکه هر دو جانب کناره از نظر میگذرد لیکن آخر مستزاد بحر قزقم است سنوق چگونه تاب امواج آن توان آورد معمول است که سنوق تمام روز میرود و بشب بعضی جا بکناره بر و قرایم عرب مثل طور سینا و جردین و رایس و جاییکه کناره بعید است در شجوب جبال که مراد از کوه زیر دریا است لنگر میگزینند الغرض در دوازده روز بصحت و عافیت در جره رسیدیم بعضی حکایت سفر مراجعت هم قابل نقل بود لیکن دفات حکیم صاحب مرحوم که محبتی خاص با عاجز داشتند حرارت شوق این تحریر را انصره نمود و هم کلام طویل نامسموع و سخن پرازان مطبوع پس دست از قلم کشیدیم و برین جزوی اکتفا در زیدیم * ابن آدم یا غریب الدنيا یا عابد سبیل - فانی متنی هذا التطویل - وما بقی من العمر الا القلیل - وانت منهمک فی الذات - و مصرطی فعل المنکرات - و القلب ملک

عایل - والدینا ظل زایل - کیم قتل - کم قتل من قتیل - فلا تطمع فی -
الہوا و انزک الدعوی - و کن عبدا ذلیل - و الزم باب ربک و اترک ما
یبعیک من القال و القیل

• نظم •

هیچ است به بین نورش را * * بر هیچ میبشخویش تن را
بر چرخ سناز و بر میبش * * بر صبح میبش و بر نسیمش
سیلاب غم است دوم سروریش * * طوفان بلاست در نفوریش
اینجا شجری نشد بکرومند * * کش باد فنا ز پا نیگمزد
اینجا همه رخت خانه نیل است * * دستان همه نوحه رحیل است
تا چغند فنا پسند بودن * * بر هیچ نظاره بند بودن
فیرنگ فنا است پره بشکاف * * سیمرخ بقا مجو ازین قاف
تو آبله پا و کاروان تیز * * برخیز ازین کرمیوه برخیز
هرچند مقام دایمیر است * * زین مرحله کوچ ناگزیر است

قطعه ذاریخ زیارت بیت المقدس *

بسم الله دیدم روی اقصی * * که بر بنیاد تقوی شد موسس
چه خوش تاریخ مولانا عمر گفت * * عیدت الله فی بیت المقدس

تمام شد

